

چگونه میتوان و باید به اتحاد رسید

در روزهای دوم و سوم آذرماه ۵۹

نیروهای انقلاب ضربات سنگینی بر تجاوزگران صدامی وارد آوردند

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران عملیات روز ۲ و ۳ آذرماه رزمندگان نیروهای مسلح را به این شرح اعلام کرد:

الف: عملیات روز سوم آذر

۱- چنگنده های هواپیمائی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، هواپیروز، در حملات شدید و موثر خود در جبهه های اهواز و دزفول، ۷ تانک، ۱ ضد هوایی، ۴ توپ خود کشی، ۱

یک سنگر، یک چادر مهمات، یک تریلر بزرگ و یک تیربارسنگین ارتش عراق را منهدم ساختند و همچنین در این عملیات یک پاسگاه مرزی عراق را در جنوب فکه با خاک یکسان کردند و پرسنل آن را به هلاکت رساندند و با اجرای آتش موثر بر روی مواضع و نفرات در این منطقه، خسارات و تلفاتی به دشمن وارد ساختند، ضایعات و تلفات پرسنلی نیرو-

های دشمن بر اثر حملات هلیکوپتر-ها حدود ۳۰ نفر کشته و ۲۰ نفر زخمی گزارش شده است. در عملیات دیروز (دوم آذر) هوا-نیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران ضایعات پرسنلی نداشته است. تنها یکی از هلیکوپترهای هواپیروز بر اثر آتش دشمن سقوط کرد، که خلبانان دلار آن هر دو سالم هستند و رزمندگان

بقیه در صفحه ۲

ضرورت رفع اختلافات و رسیدن به اتحاد مسئله حاد و مبرم روز است و امری است که ظاهراً چنگلی بر آنند. ولی برای رفع اختلاف و رسیدن به اتحاد، قبل از هر چیز باید دانست که اتحاد برای رسیدن به کدام هدف؟ پاسخ روشن است: اتحاد برای رسیدن به اهداف انقلاب است که عمده ترین آنها کسب و تأمین تضمین استقلال واقعی و تام و تمام کشور است، و این فقط در مبارزه آشتی ناپذیر با دشمن اصلی و آشتی ناپذیر انقلاب سامریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، امکان پذیر است.

بقیه در صفحه ۲

ضد انقلابیون ایرانی بر فعالیت های خرابکارانه خود علیه جمهوری اسلامی ایران افزوده اند

بگزارش هفته نامه «روزالیوسف»، چاپ قاهره، ضد انقلابیون ایرانی بر فعالیت های خرابکارانه خود علیه جمهوری اسلامی ایران افزوده اند.

خبرنگار این مجله دریاریس می نویسد که برخی از اعضای خانواده شاه ملعون با علی امینی، که اینک مانند بسیاری دیگر از سردمداران رژیم پیش، در پناه دولت فرانسه، در آن کشور زندگی میکند، تماس گرفته و از او خواسته اند تا «مقدمات تشکیل یک دولت مهاجر» را فراهم آورد.

در ضمن، شاه و پختیار، نوکر «سیاه»، نیز آمادگی خود را برای همکاری با امینی اعلام داشته است. بنوشته «روزالیوسف»، اشرف پهلوی نیز باردیگر برای هماهنگی فعالیت های ضد انقلابیون، ویژه امرای «آریامهری» ارتش، به تگابو افتاده است. او، که شخصاً بیش از یک میلیارد دلار جهت

توطئه قاسملو و پالیزبان برای حمله به کردستان

بر اساس اطلاع رسیده، قاسملو و پالیزبان تدارک حمله مجدد به شهرهای کردستان و تسخیر آنها را می بینند.

مسئله حمله مجدد به شهرهای کردستان در دستور آخرین «پلنوم» گروه قاسملو قرار داشت و مسئولین امر نیز در جریان این توطئه گذاشته شده اند. همچنین قرار است که همزمان با اقدامات گروه قاسملو، نیروهای پالیزبان و سایر گروه های مسلح ضد انقلابی به کرمانشاه و کامیاران حمله کنند. در حال حاضر نیز نیروهای صدامی از طرف پانه (کانی خان) به جلو کشیده اند و عمال آنها به همراه وابستگان ضد انقلابی کومله در روستاها مشغول شناسایی مناطق شده اند. ما توجه مقامات مسئول را به این مسئله جلب می کنیم و ضمن دادن هشدار، خواستار برخورد متعادل آنها با عوامل ضد انقلاب در منطقه هستیم.

«پرسش و پاسخ»

نورالدین کیانوری
پرسی مسائل
مهرم روز

صفحه ۲

افزایش بی رویه قیمت ها، نتیجه سلطه سرمایه داران وابسته بازار است

بازرگانان بزرگ، که واردات ۲۰۰ هزار قلم کالا را در دست داشته اند، و اکنون بجز چهار - پنج کالا که آنهم با مشارکت خودشان از سوی «مرکز تهیه و توزیع» وارد میشود، واردات هزاران کالای دیگر را در دست دارند، بازار مصرف را به میل خود می - چرخانند، کالا را با توجه به درجه سودآوری آن انتخاب و وارد می - کنند و در انبارها مخفی می سازند، تا تقاضا بر عرضه پیشی گیرد، و چون عطش جامعه تشدید شد و قیمت ها بالا رفت، آنوقت باز بر اساس محاسبه سود شخصی، تا آن حد و به آن میزان کالا وارد بازار می - کنند، که حتی گوشه ای از سودهای کلانشان هم سائیده نشود. برای آنان مهم نیست که اکثریت خانواده های زحمتکش قادر به خرید کالاهای مورد نیاز نیستند و یامبلغ هنگفتی از درآمد ثابت خود را باید برای خرید آنها اختصاص دهند مهم آنست که سود حداکثر آنها خراشی بر ندارد.

این سرمایه داران وابسته به امپریالیسم، که جز ایجاد گرانی و تورم و تشدید فقر زحمتکشان «هنری» ندارند، ستون پنجم امپریالیسم اند. امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، جدائی مردم ما را از انقلاب می خواهد و این سودجویان حریص، با گرانی و احتکار ناراضی می ترانند، تا به تحقق این نقشه کمک کنند. امپریالیسم اضمحلال اقتصاد کشور ما و سقوط انقلاب ما را می خواهد، و اینان با اخلال در بازرگانی کشور، به این خواست امپریالیسم یاری می رسانند، اکنون نزدیک به سه ماه است که جنگ تحمیلی و تجاوز رژیم صدام، در مناطق غرب و جنوب غربی کشور، آتش و خون بر سر مردم

بقیه در صفحه ۷

با وجود گذشت تقریباً دوسال از پیروزی انقلاب، سرمایه داری وابسته، متأسفانه همچنان اهرم قدرت را در بخش بازرگانی در دست دارد. زمانی که مجلس خبرگان اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را درباره ملی کردن بازرگانی خارجی تصویب کرد، مردم انتظار داشتند که با قرار گرفتن واردات در دست دولت و تحق - بخشیدن به اصل دیگر قانون اساسی، یعنی ایجاد بخش دولتی و تعاونی در عرصه بازرگانی، دولت کنترل خود را بر بازار برقرار سازد، به اقتصاد مصرفی وابسته پایان بخشد، شالوده اقتصاد تولیدی و مستقل را بریزد، قیمت را تثبیت کند و بازرگانی و تورم را، که از دوران طاغوت پرورش آنان گذارده شده بود، سبک سازد.

دولت موقت که مأمور اجرای این اصل مهم از قانون اساسی بود، با این بهانه که «کار به این سادگی نیست» و باید تا «آمادگی کشور برای این موضوع» منتظر ماند، اجرای این اصل را معوق گذارد. نامه «مردم» همانوقت پیش بینی کرد که تاخیر در اجرای ملی کردن بازرگانی خارجی به سرمایه داران وابسته امکان خواهد داد که از اهرم تسلط بر بازرگانی خارجی سوء استفاده کنند و با احتکار کالا، گران فروشی و ایجاد بازار سیاه، زندگی را بر مردم تباه سازند.

متأسفانه این پیش بینی به واقعیت پیوست، و بهای کالاهای مورد نیاز مردم، مانند بهای طلا در بورس، هر لحظه افزایش یافت، تا آنجا که اکنون قیمت کالاهای در مقایسه با سال گذشته، بطرز سرسام آوری فرونی یافته و تقریباً هیچ کالائی از این قاعده مستثنی نیست.

نخست وزیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن در دیدار با دکتر علی شمس اردکانی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در کویت، گفت:

ما بخوبی میدانیم رژیم تکریتی هادر بغداد با همکاری امپریالیسم امریکایی جنگ را شروع کرده اند

ما تمام روح و ایمانمان متوجه انقلاب اسلامی ایران است

نخست وزیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن در دیدار با نماینده ویژه جمهوری اسلامی ایران، در عدن تأکید کرد که این کشور بخوبی میداند که رژیم تکریتی ها در عراق با همکاری امپریالیسم آمریکای قصد نابودی انقلاب ایران را دارد.

در این دیدار موضع جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی تشریح شد و نخست وزیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن بهترین پیروزیها را برای ملت قهرمان ایران آرزو کرد.

گزارش صدای جمهوری اسلامی ایران حاکیست که دکتر علی شمس اردکانی نماینده ویژه جمهوری اسلامی ایران، در ملاقات با نخست وزیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن در عدن، ضمن تشریح موضع ایران در قبال جنگ تحمیلی داروسته

تشییع جنازه ۲۱ سرباز شهید، بر شانه های مردم



- این گل پرپر ماست، خمینی رهبر ماست
- برادر شهیدم، راحت ادامه دارد

به خانه ابدی آنها بردند. در این مراسم گروه کثیری از مردم شرکت داشتند و جنازه شهدا را، که در میان پرچمهای ایران پوشانده شده و غرق در گل بود، با اندوه و خشم و خروش تشییع کردند.

محمود مهدی تبریزی، عبدالکریمی، مختار مقیمی، هافیک عباس آقایی راد، قلی زاده مقدم، جمال فلاح، مسعود خیام، عباسعلی محمودی، مدنی اسدی، محمدرضا نصرت، علی هاشمی، محمد مشیری امین، حمید ترکی، حسن میرغمدی و محمد حسینی، را از حسینیه ارشاد، در حالی که دسته موزیک نظامی مارش می نواخت، با شعارهای:

پیکر گلگون ۲۱ سرباز شهید، که جان خود را در راه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از دست داده اند، بر شانه های مردم تشییع شد.

مردم قهرمان ایران پیکر خونین شهدا:

محمد فتح آبادی، محمد مطلق، نظامی علیخانی، مرتضی طوفانی، محمدرضا نوری، علی ظریف،

دکتر اردکانی در پاسخ نخست وزیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن، در باره هدف عراق از ادامه جنگی که در آن دچار شکست شده است، گفت:

«رژیم دست نشانده بعث عراق در ادامه جنگ این هدفها را تعقیب میکند: ایجاد بهانه ای برای ورود نیروهای آمریکائی به کشورهای حوزه خلیج فارس و

بقیه در صفحه ۷



نماینده شوروی در کنفرانس امنیت اروپا : حقوق بشر تنها در جوامع سوسیالیستی حفظ و تضمین می شود

لئونید ایلیچف، معاون وزارت خارجه اتحاد شوروی و رئیس هیئت نمایندگی این کشور در «کنفرانس امنیت و همکاری اروپا» در نطق خود از جمله گفت:

«هیئت نمایندگی شوروی با این اختیارات به مادرید آمده است که از همه امکانات برای تمرینش بودن کار کنفرانس استفاده کند.» وی ضمن اشاره به هیاوای غرب درباره باصطلاح نقض حقوق بشر در کشورهای سوسیالیستی گفت:

«اتحاد شوروی زودتر از همه شرکت کنندگان در کنفرانس در قانون اساسی خود اصول موافقت نامه های هلسینکی را گنجانده و همراه با دیگر کشورهای عضو پیمان ورشو برای حفظ صلح، پیشبرد آرمان خلع سلاح و تحکیم تقسیم های امنیتی مبارزه می کند.»

لئونید ایلیچف تاکید کرد که هیاوای قدرتهای غربی در مورد نقض حقوق بشر در کشورهای سوسیالیستی مداخله در امور داخلی این کشورهاست. وی گفت:

«حقوق بشر تنها در جامعه سوسیالیستی حفظ و تضمین میشود.» نماینده شوروی خواستار کنش کنفرانس تشنج زدایی و خلع سلاح در اروپا شد و گفت:

«محافل تلاش دارند به بهانه تقسیم پذیری تشنج زدایی اروپا را به کانون تشنجی که منشاء آنها دیگر نقاط جهان است، تبدیل کنند و کنفرانس مادرید را به بحث درباره مسائل پیکشاند که ارتباطی با هدفهای آن ندارد. آنها از جمله تلاش می کنند که باصطلاح مسئله افغانستان را مطرح کنند.»

ایلیچف افزود:

«زمان آن فرارسیده است که بی تمرین تلاش برای مداخله در امور داخلی افغانستان درک شود. واقعیت آن است که تشنج شدن روابط جهانی با باصطلاح رویدادهای افغانستان آغاز نشد، بلکه این اوضاع نتیجه مسیری است که از دوسال پیش محافل جاکمه امریکا و چند کشور دیگر ناتو مغایر با تشنج زدایی و در جهت افزایش مسابقه تسلیحاتی در پیش گرفته اند.»

دبیرکل حزب کمونیست چین اعتراف کرد:

تأثیر اندیشه های مائو در پیشرفت مارکسیسم - لنینیسم بی اساس است!

مائو تسه دون مسئول همه مصائب و بدبختیهای است که چین در دوره دهساله شاهد آن بوده است.

گزارشهای يك هفته اخیر رسانه های گروهی خارجی و همچنین رسانه های گروهی چین حاکی از آن است که رهبران چین، اکنون آشکارا از جنایات و اشتباهات «فاحشی» مائو تسه دون سخن میگویند. از جمله هویا تو بانگ، دبیرکل حزب کمونیست چین بصراحت اعلام کرده است که مائو تسه دون مسئول همه مصائب و بدبختیهای است که چین در دوره دهساله ۱۹۷۶-۱۹۶۶ (ده سال آخر زندگی مائو) شاهد آن بوده است. «هو» همچنین اعلام کرده است که از جمله «اشتباهات» غیرقابل جبران مائو، «جبهش بزرگ به پیش» بود، که برای اقتصاد کشور فاجعه آفرین بود. به گزارش روزنامه های اسپانیایی «هو» خطاب به کاریلو دبیرکل حزب کمونیست اسپانیا، تأثیر اندیشه های مائو را در پیشرفت مارکسیسم - لنینیسم بی اساس خوانده است. از سوی دیگر روزنامه های یکن دومین قسمت از مصاحبه چند ماه پیش تنگ شیائوینگ با اورینا فالاجی، روزنامه نگار ایتالیایی را منتشر کرده اند. تنگ در این مصاحبه به «اشتباهات فاجعه آور» مائو اشاره کرده است.

از طرفی محاکمه «بانگ چهارفرفری» به رهبری بیو مائو چند روزی است که شروع شده است. چند روزنامه چاپ هنگ کنگ کنگ گزارش داده اند که رهبران چین، که پیوسته در سیاست خارجی، دشمنی با اردوگاه سوسیالیسم و جنبشهای رهاییبخش ملی و دوستی و همکاری با امپریالیسم آمریکا را در پیش گرفته اند، قصد دارند با این محاکمه، خیانتهای خود را توجیه کنند.

رهبران کنونی چین، و از جمله «هویا تو بانگ»، اعتراف کرده اند که مائو نمیتوانسته است از جنایات و خیانتی که در زمان وی بوقوع پیوسته، بی اطلاع بوده باشد.

اعتراض فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان به رفتار فاشیستی پلیس آمریکا

فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان، با انتشار بیانیه ای، به بازداشت گروهی از زنان میاز آمریکا بوسیله پلیس این کشور شدیداً اعتراض کرد. زنان بازداشت شده همراه هزاران زن دیگر تظاهراتی علیه مسابقه

چگونه میتوان ...

بقیه از صفحه ۱

پس وقتی سخن از رفع اختلاف و تأمین اتحاد میرود، منظور رفع اختلاف بین نیروهای انقلابی و نیروهای مخالف انقلاب نیست و نمیتواند باشد، رفع اختلاف بین کلان سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان، که حکومت مطلقه آنان در وجود رژیم دست نشانده شاه ملموس سرنگون شده، با خلق زحمتکش متمسکینده و غارت شده، که این رژیم رازین پرچم اسلام و برهبری امام خمینی واژگون کرده، نیست. این اختلافی است بین طبقاتی که باید یکدیگر نمیتوانند آشتی کنند. این اختلاف آشتی ناپذیر طبقاتی است که در مرحله نخستین انقلاب با سرنگونی رژیم طاغوت بسود طبقات زحمتکش تمام شده و در مرحله کنونی انقلاب، عمدتاً بصورت مبارزه در راه آشتی با امپریالیسم و مبارزه آشتی ناپذیر با امپریالیسم ادامه دارد. و تا سرمایه داران بزرگ و زمین داران بزرگ - پایگاه اجتماعی امپریالیسم اسارتگر و غارتگر - باقی هستند، ادامه خواهد داشت. ضمناً واضح است که خط این نبرد آشتی ناپذیر طبقاتی از بین معملها و مکلاها نمیکند. بگفته امام، خمینی، معملهای بدتر از ساواکی هم وجود دارند، اینان در موضع کلان سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان قرار دارند. برعکس، روحانیونی که بنام روحانیت مبارز معروفند، درجبهه خلق زحمتکش، در صف کوخ نشینان، در خط امام، برای قطع ریشه نفوذ کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، قطع نفوذ امپریالیسم، پسرکردگی آمریکا، برای نوسازی کشور به سود زحمتکش، متمسکین و محرومان مبارزه میکنند.

خلاصه نبرد آشتی ناپذیری بین نیروهای مردمی با نیروهای ضد مردمی، بین نیروهای انقلابی با نیروهای ضدانقلابی، بین نیروهای رزمنده برای قطع ریشه های اجتماعی امپریالیسم در ایران با نیروهای خواستار بازگشت سلطه امپریالیسم بر ایران جریان دارد، که در جبهه خلقی این نبرد، هم مسلمان ها و هم معتقدان به سوسیالیسم علمی، و در جبهه ضد خلق، هم مسلمان نماها و هم مارکسیست نماها (تربیجه های پوک) قرار دارند.

اما در جبهه خلق نیز اختلافاتی وجود دارد، ولی این اختلافات آشتی پذیرند. این اختلافات عمدتاً ناشی از نظرات مختلف برای رسیدن به هدف واحد، برای رسیدن به اهداف انقلاب، برای دسترسی به پیروزی قطعی و نهائی انقلاب است. در این جبهه خلق، اختلافات طبقاتی

در روزهای ...

بقیه از صفحه ۱

شجاع هوانیروز برای اینکه هلی کوپتر سقوط شده در منطقه دشمن مورد استفاده دشمنان انقلاب قرار نگیرد، قسمت های سالم هلی کوپتر سقوط کرده را منهدم ساختند.

۲- پرائر آتش شدید رزمندگان نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران مستقر در مناطق آبادان دیروز (دوم آذر) خساراتی به نیروهای دشمن، که

نیز هست، ولی چون این طبقات و اقتدار - طبقه کارگر، دهقانان زحمتکش، خرده بورژوازی شهر و ده و... خواستار استقلال واقعی کشور و نوسازی کشور بسود مردم اند، نمیتوانند نه فقط امروز، بلکه فردا در کنار هم و حتی به کمک هم زیست کنند. اختلاف طبقاتی آنها نیز آشتی پذیر و قابل حل است. اینان میتوانند صفوف خود را در جبهه خلق بهم بفرستند و باید بفهرند، تا بتوانند جبهه ضد خلق را درهم شکنند و پیروزی قطعی و نهائی انقلاب خود را تأمین کنند.

در جبهه خلق اختلاف معرفتی، فلسفی و ذهنی نیز هست. ولی هیچک از این نوع اختلافات خصوصاً آمیز نیست و نباید باشد. این اختلافات میتوانند تا حد زیادی از بین بروند، بویژه اختلافات ذهنی و فاشی از پیش - داوریه، که میتوانند یکدیگر مرفوع گردند و در جریان نبرد متحد با دشمن مشترک مرفوع نیز خواهند شد. اختلافات معرفتی - فلسفی نیز چون از نبرد آشتی ناپذیر طبقاتی سرچشمه نمیکند و چون نظر به هدف سیاسی - اجتماعی واحد دارند، کمترین زیانی به پیوستگی جبهه متحد خلق وارد نمیسازند که سهل است، احیافا نقش عامل کمکی نیز در اتخاذ روشها و راههای درست مبارزات پیروزی بخش میتوانند ایفاء کنند. در بین آن جبهه ضد خلق و ضدانقلابی با این جبهه خلق و انقلابی، قشری از سرمایه داری قرار گرفته است بنام بورژوازی لیبرال. این بورژوازی لیبرال، قبل از نخستین مرحله پیروزی انقلاب با حکومت طبقه مطلقه قشر دیگری از سرمایه داری ایران، یعنی قشر بزرگ سرمایه داران وابسته به امپریالیسم، مخالف بود، باین دلیل، و فقط باین دلیل، که خود را در برداشت سهم خود از غارت دسترنج زحمتکش و ثروت کشور مغبون میدید و مغبون شده بود، قابلیت و امکانات رشد خود را تا سرمایه داری بزرگ وابسته محدود شده می دید و محدود شده بود. ولی پس از نخستین مرحله پیروزی انقلاب، بورژوازی لیبرال از گسترش و تعمیق انقلاب، بنا به طبیعت طبقاتی خود، به وحشت افتاد و ناراضی شد. بورژوازی لیبرال نتوانست حکومت را در انحصار خود درآورد و بالاتر از آن موقعیت طبقاتی خود را در خطر دید، و لذا از انقلاب «پشیمان» شد و درصدد ترمز کردن انقلاب برآمد. بورژوازی لیبرال چاره را در سازش با امپریالیسم دید و درصدد سازش با امپریالیسم برآمد و رفته رفته از جبهه انقلاب دور و دوری شد و به جبهه ضد انقلاب نزدیک و نزدیکتر گردید.

شد که از میزان خسارت وارده به دشمن آمار دقیقی در دست نیست. همچنین برج دیده بانی ۱۴۱ راسی بر اثر آتش موشکهای نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران منهدم شد.

۳- روز گذشته (دوم آذر) بر اثر آتش شدید توپخانه رزمندگان ایران، يك ایستگاه رادار ثابت و چند دکل مخابراتی و حدود ۲ کیلومتر از خطوط ارتباطی دشمن در بندر فاو منهدم شد.

۴- در ساعت ۱۱:۳۰ دیروز (دوم آذر) يك فروند میگ

آتش ضد هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران سرنگون شد. به عملیات روز دوم آذرماه: در نبرد مناطق موسسنگر و سعدون حمودی و حردان بانیرو - های متجاوز دشمن، این ضایعات و تلفات به قوای کفر وارد شده است. ۳۹ تانک، ۸ بولدوزر، ۵ نفربر، ۶ خودروی مهمات و ۲ ضد هوایی دشمن نابود شد و همچنین ۳ توپ ضد هوایی و ۵ تانک از دشمن به غنیمت گرفته شد. در عملیات روز دوم آذر ماه، مجروحین و کشته های دشمن متجاوز از حدود

و این روند همچنان ادامه دارد. بورژوازی لیبرال، که حالا دیگر یکلی از انقلاب «پشیمان» شده و طرقدار وابستگی مجدد به امپریالیسم گردیده، دیگر نمی تواند در جبهه خلق، در جبهه انقلاب قرار گیرد. بدینسان، مسئله رفع اختلاف و تأمین و تحکیم و اتحاد - مسئله رفع اختلاف و تأمین و تحکیم و اتحاد درون جبهه خلق، درون جبهه انقلاب است. مسئله اتحاد نیروهای راستین انقلابی - بگفته امام خمینی - داز هر گروه و مسلکی است. مسئله اتحاد نیروهای متعدد به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، اعم از مذهبی و غیرمذهبی است، که هم ممکن است و هم ضرورت حیاتی دارد. چگونه میتوان این اتحاد را تأمین کرد؟ بنظر ما، بر مبنای رعایت راستین سه اصل زیرین: اول - حفظ و احترام به استقلال سازمانی، سیاسی و ایدئولوژیک هر گروه، سازمان، حزب و نیروی که هدفش تداوم و تعمیق انقلاب برای تأمین پیروزی قطعی و نهائی آن، حفظ و تثبیت و تحکیم جمهوری اسلامی ایران است، یعنی هدفش محو کامل بازمانده های نفوذ امپریالیسم در ایران، انحلال بازمانده های سرمایه داری بزرگ وابسته و بزرگ مالکی، نوسازی کشور بسود زحمتکش و مستضعفان و نیز تأمین آزادیها و حقوق فردی و اجتماعی است، و یا به عبارت دیگر، اجرای محتوای شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی».

دوم - تکیه بر موارد و نقاط مشترک عمده، با توجه باین واقعیت که عمده ترین وظیفه ای که امروز و برای مدت بسیار درازی در برابر تمام نیروهای راستین انقلابی قرار دارد، مبارزه بیامان با امپریالیسم، پسرکردگی امریکا - دشمن اصلی انقلاب و استقلال و آزادی کشور ماست، مبارزه ای که فقط با سلاح وحدت عمل تمام نیروهای راستین انقلابی می تواند به پیروزی برسد.

سوم - بکاربردن روش دوستانه، با حسن نیت، مبرا از پیشدها و ریه برای حل اختلافات درباره مسائل فرعی، پرهیز مجذبه از تبدیل مسائل فرعی به مسائل عمده، که در غیر این صورت قطب اصلی مبارزه گم میشود، تفرقه شدت می یابد، راه رسیدن به اتحاد مسدود می گردد.

بر مبنای و با رعایت سه اصل نامبرده - بنظر ما - جبهه متحد خلق، یعنی آن سلاخی که پیروزی قطعی و نهائی را برای انقلاب بزرگ رهاییبخش ما تأمین و تثبیت و تحکیم و تضمین میکند، بدست خواهد آمد. با این سلاح خلق قهرمان ما میتواند با موفقیت تاریخ شکوهند خود را با خط زرین بنویسد.

آتش ضد هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران سرنگون شد. به عملیات روز دوم آذرماه: در نبرد مناطق موسسنگر و سعدون حمودی و حردان بانیرو - های متجاوز دشمن، این ضایعات و تلفات به قوای کفر وارد شده است. ۳۹ تانک، ۸ بولدوزر، ۵ نفربر، ۶ خودروی مهمات و ۲ ضد هوایی دشمن نابود شد و همچنین ۳ توپ ضد هوایی و ۵ تانک از دشمن به غنیمت گرفته شد. در عملیات روز دوم آذر ماه، مجروحین و کشته های دشمن متجاوز از حدود

کمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است

م.م. از سامان شهر کرد
۵۰۰ ریال
سازمان حزب در قزوین ۵۰۰۰۰۰ ریال
يك دختر هوادار از بندر تهر کمن ۵۰۰۰ ریال
س.خ. ۵۰۰۰ ریال
نوشین از کرج ۵۰۰ ریال
از محلات ۵۰۰ ریال
نازنین ۵۰۰۰ ریال

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کیمنش و به شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شبید دکن حسین فاطمی بپردازند.

ما بخوبی میدانیم...

بقیه از صفحه ۱

در این زمینه سعی می کند دامنه جنگ به کشورهای دیگر منطقه نیز کشیده شود؛ ایجاد تفرقه میان اعراب و ایران، و این برنامه ای بود که در زمان شاه خائن معدوم نیز مدام تعقیب می شد، و لی از آنجائیکه وی مورد نفرت ایرانیها بود، این هدف عملی نشد و اکنون ژاندارم تازه آمریکایی کوشد تا چنین تفرقه ای را بین ملت های ایران و عرب اجرا کند، تا اربابپاش بتواند به زاحتی منابع آنها را غارت کند؛ هدف دیگر نظام بغداد آنست که مانع ایفاء نقش فعال ایران انقلابی در بازپس گرفتن فلسطین و قدس شود.

دکتر اردکانی در ادامه سخنانش گفت:

«ایران این جنگ را شروع نکرده است و علاقه ای به ادامه و گسترش آن نیز ندارد، ولی رژیم مزدور عراق، که خود شروع کننده این جنگ بوده، سعی دارد تا هرچه بیشتر آن را گسترش دهد و او مسئول تمام عواقب آن بوده و خواهد بود.»

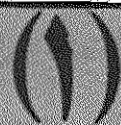
سپس نخست وزیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن طی سخنانی اظهار داشت:

«ما بخوبی می دانیم رژیم تکریتی ها در بغداد با همکاری امپریالیسم آمریکا این جنگ را شروع کرده اند، تا به تصور خود انقلاب ایران را نابود سازند، ولی ما تمام روح و ایمانمان متوجه انقلاب اسلامی ایران است و مطمئن هستیم نیروهای ضد امپریالیستی خواهند توانست ریشه متحدان امپریالیسم و نوکرانشان را در منطقه از جای ببر کنند.»

نخست وزیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن همچنین گفت:

«انقلاب اسلامی ایران با اتحاد نیروهای رژیم شاه معدوم را سرنگون کرد.»

در پایان این دیدار، نخست وزیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن برای ملت قهرمان ایران



نورالدین کیانوری

«پرسش و پاسخ»

جلسه مرسوم «پرسش و پاسخ» در تاریخ ۲۹ آبان ۱۳۵۹
بنا بر تکمیل رفق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی
حزب توده ایران برگزار شد. رفیق کیانوری به پرسشهای
طرح شده در این جلسه پاسخ گفت.
در زیر بخش اول این پرسش و پاسخ درج می‌شود و بقیه
در شماره‌های آینده نامه «مردم» به چاپ خواهد رسید.

بررسی مسائل مردم روز

۱- «سازش» و «سازشکاری» یعنی چه؟ ۲- درباره ضرورت ملی کردن بازرگانی خارجی.

س: روزنامه «میزان» در مقاله «مارکسیسم و سازشکاری» نوشته است: عجیب است حزب توده که اثر داهیانه «بیماری کودکی» چپ‌روی... را خوانده است، به سازشکاری حمله می‌کند. آیا اثر مذکور سازشکاری را مجاز دانسته، که «میزان» از ما می‌خواهد به سازشکاری حمله نکنیم؟

ج: البته من این مقاله را نخوانده‌ام و خیلی متاسفم که این سؤال قبلاً به من داده نشد. و الا، با خواندن دقیق آن مقاله جوابی نه از حافظه، بلکه از روی مدارک، می‌دادم. ولی خوب حالا چون سؤال مطرح شده و قرارمهم اینست که همه سؤالات را فی‌البداهه جواب دهیم، سعی می‌کنم به آن پاسخ دهم.

اگر واقعا در مقاله «مارکسیسم و سازشکاری» روزنامه «میزان» همینطور نوشته شده یعنی به حزب توده ایران ایراد گرفته شده باشد که شما که اثر داهیانه لنین در باره «بیماری کودکی» چپ‌روی... را خوانده‌اید، باز هم به «سازشکاری» و سازش با دشمنان حمله می‌کنید، - این نشان دهنده دو چیز است: یکی اینکه نویسنده مقاله، این اثر را خوانده است، زیرا لنین آنجا نصلی در باره «سازش» دارد. ولی مسئله دومی که از این نوشته بر می‌آید، آن است که نویسنده مقاله، از این اثر هیچ چیز نفهمیده است! آنچه که لنین به عنوان «سازش» در اثر داهیانه خود مطرح می‌کند، به این گونه است: «این نویسنده در رابطه با سیاست روزنامه «میزان» و غیره مطرح می‌سازد، از زمین تا آسمان تفاوت دارد. «سازش» داریم تا «سازش» لنین می‌گوید که ما با هر «سازشی» مخالف نیستیم. ولی این یعنی چه؟ یعنی «سازش» هایی هست که ما مارکسیست‌ها مطلقاً با آن مخالف هستیم، و «سازش» هایی هم هست که با آن مخالف نیستیم. خوب نمونه‌های زیادی در این باره وجود دارد: در یک کارخانه کارگران شروع می‌کنند به اعتصاب. مسلم این است که کارگران با اصل سرمایه‌داری و غارت سرمایه‌داری موافق نیستند، با اینکه سرمایه‌دار آنها را غارت کند و استثمارشان کند موافق نیستند. ولی نظام اجتماعی شرایطی بوجود می‌آورد که آنها تا مدت‌ها زورشان نمی‌رسد سرمایه‌داری را از بین ببرند. در کشوری که نظام سرمایه‌داری حکومت می‌کند، آنها می‌توانند در شرایط معینی با اعتصاب و امتناع از کار کردن برای سرمایه‌دار او را مجبور کنند تا به بخشی از خواست‌هایشان تن در دهد، یعنی مثلاً مزدشان را اضافه کند، ساعات کارشان را کم کند و شرایط کار را بهتر سازد و غیره. خوب این عبارت است از میدان یک «سازش». یعنی چه؟ یعنی در شرایط آن روز که هنوز وضع انقلابی در کشور پیدا نشده و طبقه کارگر هنوز امکان آن را ندارد که نظام سرمایه‌داری را دور بیاورد، کارگران می‌توانند در یک مبارزه محدودتر، به بخشی از خواست‌های خود برسند. در این کارخانه دو یا سه نفر ممکن است پیدا شود، یک نفر، نظر تسلیم است که چرا مبارزه کنیم؟ ما که رومانی نمی‌رسد به کارفرما، کارفرما که بالاخره زورش می‌رسد، آزان هم می‌آورد، زاندارم هم می‌آورد، ما را هم می‌گیرند و حبس می‌کنند، پس بیخود مبارزه نکنیم و با همین بسازیم. این عبارت است از تسلیم و سازش مطلق، طبقه کارگر مبارز با چنین چیزی موافق نیست. و با یک نظر افراطی پیدا می‌شود که: «باید کارخانه‌دار را کشت، او را استثمار می‌کند، می‌رویم می‌کشیم و استثمار از بین می‌رود. خوب این نظر را هم عده‌ای داشتند. مثلاً زمانی عده‌ای یکی از سرمایه‌داران را کشتند و اعلامیه صادر کردند که، از این راه استثمار را از بین می‌بریم و سرمایه‌داری را نابود می‌کنیم». خوب این هم کودکانه است. ولی راه حل صحیح همان است که لنین می‌گوید، یعنی ترکیب مبارزه با سازش در چارچوب امکانات واقعی. ما مبارزه می‌کنیم، ایستادگی می‌کنیم، تلفاتی هم می‌دهیم، گذشته‌های می‌آید و کوشش می‌کنیم در شرایط معین با در نظر گرفتن تمام عوامل، یک امتیاز، هر چقدر هم محدود باشد، از دشمن خودمان باز می‌گیریم، از غارت‌کننده خودمان بگیریم. این می‌شود مبارزه و نتیجه‌ای که از اعتصاب گرفته می‌شود این است که مثلاً مبلغی به مزد اضافه می‌شود، دو روز به مرخصی سالیانه اضافه می‌شود، شرایط کار بهتر می‌شود و ساعات کار نیم ساعت کمتر می‌شود. این می‌شود سازش. این سازشی است که مارکسیست‌ها با آن موافق هستند. یعنی سازش ناشی از مبارزه، مبارزه تا آن حد که نیروی شما چیزی بیش از آن نتواند از طرف بگیرد. در اینجا ما سازش می‌کنیم. همزیستی مسالمت‌آمیز جهان‌سوسیالیسم با جهان امپریالیستی را هم در آخرین تحلیل می‌توان یک نوع سازش با جهان امپریالیستی را هم در نظر گرفت. سازش به معنی تسلیم نیست، سازش به معنی غارتگری جهانی را به کلی از بین می‌برد و شیوه‌اش هم این نیست که با جنگ بخواهد آن نظام را از بین ببرد. خلق‌ها هنوز آماده نشده‌اند که در کشورهای خودشان این نظام‌های غارتگر را برانند. خوب با این نظام‌های امپریالیستی همزیستی مسالمت‌آمیز داشت. یعنی لازم نیست که چون ما این نظام را نمی‌پذیریم، با آن جنگ کنیم. حالا هم که جنگ هسته‌ای است و تمام دنیا و تمدن بشری را شاید به کلی به نابودی بکشانیم، چون با این نظام نمی‌توانیم بسازیم.

ولی اگر «سازش» را به این معنا بگیریم که هر چه این نظام غارتگر سرمایه‌داری از ما خواست، ما تسلیم آن شویم - مثلاً اگر گفت که بیا بید بساط سوسیالیسم را بر چینی، از سوسیالیسم صرف‌نظر کنید و سرمایه‌داری را که در کشورتان برانداخته‌اید دو مرتبه برقرار کنید، اینجای دیگر مسئله «سازش» مطرح نیست و جریان صورت دیگری پیدا می‌کند.

در جنگ دوم جهانی امپریالیسم حمله کرد به اتحاد شوروی، برای از بین بردن نظام سوسیالیستی و احیا نظام سرمایه‌داری در منطقه‌ای که سوسیالیسم پیروز شده بود. در آنجا دیگر مسئله «سازش» مطرح نبود، مسئله این نبود که «بسیفش را من می‌دهم حالا تو بگیر». مسئله عبارت بود از مقاومت تا پیروزی و تادرم شکستن این تجاوز. در وقت تمام امپریالیسم تجاوز کرد برای در هم شکستن مقاومت خلق ویتنام. خلق ویتنام و مارکسیست‌های ویتنام با محاسبه دقیق تمام عوامل جهانی و داخلی، حساب کردند که «ما می‌توانیم مقاومت بکنیم. البته این مقاومت برای ما فوق‌العاده گران تمام خواهد شد، خیلی دردناک است، خیلی خسارت به ما وارد خواهد آورد. ولی ما با این مقاومت، شکستی به دشمن وارد خواهیم کرد که کم‌ترش را بشکنیم». حسابشان ما کاملاً درست بود. پس سیاست تسلیم به این ترتیب که «ما حاضریم از موضعی که مال ما هست صرف‌نظر کنیم برای اینکه امپریالیسم گردن کلفت است و به ما تجاوز می‌کند»، این سیاست دیگر آن، «سازش» نیست که کمونیست‌ها قبولش داشته باشند. ما با آن سیاست موافقیم که وقتی تمام امکانات و نیروی خودمان را برای گرفتن حقوق خودمان به کار انداختیم و دیدیم که بیش از آنچه که امروز ممکن است، نمی‌توان گرفت، آن وقت آتش‌بس‌هایی با دشمن برقرار کنیم. به‌طوریکه طبقه کارگر در شرایط معین اجتماعی در اعتصاب علیه کارفرمای خود، وقتی می‌بیند دیگر زورش بیش از آن نمی‌رسد که امتیاز بیشتری بگیرد، به یک سازش تن در می‌دهد. این نوع سازش درست است. با مثلاً یکی از مهم‌ترین سازش‌های تاریخ که لنین به آن اشاره می‌کند، وقتی است که در روسیه انقلاب شده بود، ولی هنوز نتوانسته بود به نیروهای خود شکل بدهد، هنوز نتوانسته بود نیروهای خود را چنانکه باید و شاید تجهیز

کند، و در این شرایط امپریالیسم آلمان می‌خواست به حمله ادامه دهد و حکومت شورایی را در هم شکند. در اینجا لنین صلح «برست لیوتوفسک» را می‌پذیرد. لنین می‌گوید در شرایط کنونی ما وضعی داریم که ممکن نیست بتوانیم مقاومت کنیم. برای حفظ حکومت شورایی ما باید به یک صلح و به یک سازش با امپریالیسم آلمان تن در دهیم. گرچه این سازش برای ما بسیار سنگین است، ولی باید به آن تن در دهیم. چرا؟ برای اینکه نتیجه این سازش حفظ حکومت شورایی است و این حکومت شورایی در آینده به حساب امپریالیسم آلمان خواهد رسید و آلمان را مجبور به عقب نشینی خواهد کرد. این فقط سازشی است برای تدارک نیرو، برای تجهیز نیرو، برای تقویت نیروها و برای اینکه ما بتوانیم دشمن را عقب بزنیم. این است سازشی که لنین با آن موافق است. ولی همان لنین، یک سال و نیم دو سال بعد که بنیه حکومت شوراهای قوی شده بود، وقتی تجاوز چهارده دولت امپریالیستی به کشور شوراهای شروع می‌شود، مسئله مقاومت همه‌جانبه در مقابل این تجاوز را مطرح می‌کند و حکومت شورایی در تمام جبهه‌ها علیه امپریالیسم به جنگ برمی‌خیزد. چرا؟ برای این که در خود توان ایستاد مقاومت را می‌بیند و مشاهده می‌کند که خلق‌های زحمتکش سایر کشورهای آنجا در برابر دشمن محکوم می‌کنند. اینجا دیگر مسئله «سازش» مطرح نیست.

مسئله امکان مقاومت در برابر تجاوز مطرح است. امروز نیز در شرایط انقلاب ایران از این لحاظ بین انقلابیون و مبارزان پیگیر و قاطع از یک سو و سازشکاران از سوی دیگر اختلاف وجود دارد. سازشکاران از روز اول سیاست تسلیم داشتند. یعنی معتقد نبودند که شاه را می‌شود برانداخت. اما در غل غل دیدیم که شد و کسانی که از زیبایی دیگری داشتند، کسانی از زیبایی ویتنامی می‌کردند و می‌گفتند که اگر چه این مبارزه و مقاومت تلفات دارد، گشتار دارد، ولی ما می‌توانیم شاه را بر اندازیم، حسابشان درست درآمد. سازشکاران می‌گفتند که با آمریکایی‌ها چون جنگ می‌کنیم، «میزان» را به خاطر آوری، همان مقاله‌ای که می‌گوید ما یاری دم پلنگ بر زوری گذاشته‌ایم، پلنگی که از نزدیکی دمش هم نمی‌شود رفت! اما دیدیم که خلق ویتنام خرخره پلنگ را گرفت و فشار داد و انداخت بیرون. ما می‌بینیم که در ایران توانستیم پلنگ را با اردنگ بیرون کنیم. شد. در اینجا هم می‌بینیم باز حساب سازشکاران با حساب انقلابیون به کلی متفاوت درآمد.

به این ترتیب «سازشی» که روزنامه «میزان» و گردانندگان آن از یک سال و نیم پیش از انقلاب، یعنی از همان لحظه آغاز اوج جنبش خلقی و مردمی در ایران پیشنهاد می‌کردند ترس و لرز از خود نشان می‌دادند که نرود توی خیابان و به تظاهرات ادامه ندهید، مبادا اتفاقی بیفتد، کام به کام با شکست روبرو شد و بر عکس ارزیابی نیروهای انقلابی درست درآمد که می‌گفتند دنیا عوض شده و دیگر دنیای ۲۸ مرداد نیست، درست است که امپریالیسم جهان‌خوار، وحشی و ضد بشر است و به هر جنباتی دست می‌زند، ولی دیگر قدرت ایام گذشته را ندارد، تناسب نیروها در دنیا به کلی عوض شده، خلق‌هایی مثل خلق ویتنام، لاوس، کامبوجیا، موزامبیک، آنگولا، که اسیر این نواستعمار آمریکا بودند، همه توانستند خود را آزاد کنند و در چنین دنیایی اگر خلق ایران هم سرنوشت خود را به دست گیرد و در میدان مبارزه ایستادگی کند، حتما پیروز خواهد شد و دیدیم که این نظر درست از کار درآمد. به این ترتیب، به این آفتاب «میزان» نویس توصیه می‌کنیم که دومرتبه این اثر داهیانه و واقعه‌داهیانه لنین را مطالعه کند. ولی البته من در عین حال که این توصیه را می‌کنم، به هیچوجه امیدوار نیستم که نویسنده آن مقاله، دفعه دوم هم که این اثر را بخواند، چیزی از آن بفهمد! چون شرط اول فهمیدن یک اثر اجتماعی در درجه اول بستگی به این دارد که شخص در کدام موضع قرار گرفته است، اگر در موضع خلق مبارز و اسیر و محروم قرار گرفته باشد، آنوقت از این اثر همان چیزی را خواهد فهمید که ما می‌فهمیم. اما اگر در موضع لیبرال‌های سازشکار و تسلیم‌طلب در مقابل امپریالیسم قرار گرفته باشد که ترسان امروز دیگر از امپریالیسم نیست، بلکه از اوج جنبش خلقی و توده‌ای و ضد سرمایه‌داری میهن ما است، آنوقت مسئله را مسلماً همیشه عوضی و همانطور خواهد فهمید که این دفعه فهمیده است! البته من باز هم تکرار می‌کنم، که در این زمینه جواب من به سؤالی است که اینجا مطرح شده است، چون خود اصل مقاله «میزان» را نخوانده‌ام و امکان دارد که آنجا مطلب عیناً به صورت این سؤال مطرح نباشد. ولی به‌طور کلی ارزیابی، این است که در شرایط و به سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی کنونی جهان امکان اینکه ما استقلال همه جانبه خودمان را و خود را در برابر فشارهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم غارتگر به سرگردگی امپریالیسم آمریکا تأمین و تحکیم و تثبیت کنیم، امروز به‌طور واقعی وجود دارد و هرگونه ترلز در بهره‌گیری از این امکانات برای رسیدن به این هدف، عبارت است از سازشکاری و تسلیم‌طلبی که هم‌اکنون با خیانت به منافع ملی ما، چه آگاهانه و چه غیرآگاهانه و ناشی از بستگی یا ایستگی به منافع طبقاتی معین باشد.

س: زندگی هرروز گران‌تر می‌شود. چگونه ممکن است با آن روبرو شد؟ عوامل اصلی این گرانی کدامند؟ نظر حزب درباره لزوم ملی کردن تجارت خارجی چیست؟ آیا با ملی کردن تجارت خارجی، حتی اگر جنگ همه‌جانبه باشد، مشکلات اقتصادی کنونی کشور در زمینه تأمین مواد مصرفی مورد نیاز همه مردم به‌بهایی عادلانه، برطرف خواهد شد یا نه؟

ج: مردم این یک سؤال مهم اقتصادی است. برای این که ما به این سؤال درست جواب بدهیم، اول باید ببینیم وضع اقتصادی کشور ما در زمینه تأمین مایحتاج تا قبل از انقلاب چگونه بوده و امروز چگونه است و برای درمان بیماری‌های قرضت از این وضع اقتصادی، چه شیوه‌هایی باید بکاربرد؟ البته در این جا فرض آن نیست که من تمام وضع اقتصادی را مطرح کنم و فقط در مورد تجارت خارجی و توزیع مواد مصرفی درجه‌اول اکثریت مردم کمی توضیح می‌دهم. همان‌طور که می‌دانیم، تجارت خارجی همیشه یکی از بخش‌های بسیار با اهمیت اقتصاد کشور بوده و به آن که طی ۱۰-۱۵ سال اخیر صنایع نوسه نسبتاً قابل توجهی یافته، هنوز تجارت در حال حاضر به‌علاوه بر این ۱۴ میلیارد دلار واردات غیر جنگی، هر سال ۱۰ میلیارد دلار هم واردات جنگ‌افزار بوده که در درجه اول از آمریکا و سپس به‌طور عمده از کشور بزرگ غربی صادر می‌کنند. جنگ‌افزاری را انگلستان، فرانسه و آلمان غربی، خریداری می‌شده است و در مجموع واردات ما را هر سال به بیش از ۲۰ میلیارد دلار می‌رساند است. خوب، بررسی این ارقام خیلی حالب است، چون خیلی زیاد از غارت «مشترک» «شرق» و غرب‌دم می‌زنند و

کسانی می‌خواهند پرده‌ای از دود ایجاد کنند و چنین جلوه دهند که گویا کشورهای سوسیالیستی هم از بازار ایران، مثل کشورهای غارتگر امپریالیستی، «سودهای کلان» می‌برند. بنابراین بد نیست این اعداد را کمی دقیق‌تر بشکافیم: از این ۱۴ میلیارد و ۱۲۴ میلیون دلار واردات سال ۱۳۵۶، (نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار) فقط متعلق بوده است به ۶ کشور امپریالیستی یعنی آمریکا، آلمان غربی، ژاپن، انگلستان، فرانسه و ایتالیا. تنها هلند و بلژیک یعنی دو کشور بسیار کوچک دنیای امپریالیستی، در سال ۱۳۵۶، نزدیک به ۱ میلیارد دلار کالا به ایران صادر می‌کردند. کشور سوئیس با ۹ میلیون جمعیت، به تنهایی ۴۴۰ میلیون دلار کالا به ایران صادر می‌کرد. و اما در مقابل این بیش از ۱ میلیارد و نیم صادرات کشورهای ۹ گانه امپریالیستی به ایران، اتحاد شوروی فقط ۲۷۱ میلیون دلار کالا به ایران صادر می‌کرد. و این کم‌تر از ۳ درصد آن چیزی است که ۹ کشور امپریالیستی به ایران صادر می‌کردند. در مفهوم این اعداد دقت کنیم، آن وقت می‌فهمیم که چقدر دود هوا می‌شود تا کشورهای سوسیالیستی را متهم کنند به این که از تجارت با ایران سودهای کلان می‌برند. جالب است که واردات ایران از اتحاد شوروی، از سال ۵۱ که ۴ درصد میزان واردات آن کشور امپریالیستی را تشکیل می‌دهد، در سال ۱۳۵۶ به ۲/۸ درصد تنزل پیدا کرده است. اگر جمع تمام کشورهای سوسیالیستی را بگیریم، فقط در حدود ۵ درصد و مجموع کشورهای «دنیای سوم» و از آن جمله هندوستان، ۲ تا ۳ درصد واردات ایران را تأمین می‌کردند. به‌دین سان ۹۳٪ تسام واردات ایران از کشورهای امپریالیستی بوده است. این آماری است از تجارت خارجی ایران در سال ۱۳۵۶ یعنی در آستانه انقلاب.

ما گفتیم که علاوه بر این ارقام، سالیانه ۱۰ میلیارد دلار هم تسلیحات به‌طور عمده از آمریکا، فرانسه، انگلستان و آلمان غربی وارد می‌شده است. به‌طوری که می‌دانیم، شاه‌مردم طرف ۴ سال از سال ۱۳۵۲ تا ۵۶، مجموعاً نزدیک به ۴۰ میلیارد دلار از این ۴ کشور اسلحه خریده که ۲۰ میلیارد دلار آن از آمریکا و ۲۰ میلیارد دلار دیگر از سه کشور دیگر امپریالیستی بوده است.

این اعداد به‌ما نشان می‌دهد که امپریالیسم آمریکا و امپریالیست‌های همدستش در اروپای غربی و ژاپن، تا چه حد به بازار ایران به عنوان یک بازار غارت وحشتناک علاقمند بودند. حالا جالب توجه این است که در ازای آن ۲۷۱ میلیون دلار واردات ایران از اتحاد شوروی که ضامن بزرگ‌ترین رقم واردات سالانه از این کشور را تشکیل می‌دهد، (سال‌های پیش از آن به‌طور متوسط ۲۱۴، ۲۷۰ و ۱۶۸ و ۱۱۷ میلیون دلار بوده، یعنی حداکثر آن به ۲۷۱ میلیون دلار رسیده)، ما واحدهای صنعتی بسیار با اهمیتی داریم که الان مهم‌ترین واحدهای صنعتی ما به‌شمار می‌روند و از آن جمله: اند: کارخانه ذوب آهن، کارخانه ماشین‌سازی اراک، چندین سیلو، سدها و نیروگاه‌های سرحدی و غیره. حال این مبلغ را مقایسه کنید با سالی بیش از ۲۰-۱۵ میلیارد دلار و در سال آخر ۲۲ میلیارد دلار واردات از کشورهای امپریالیستی و ببینید در مقابل این ارقام نجومی سرسام‌آور، ما الان چه چیز در دست داریم: چند کارخانه نیمه‌ساخته، کارخانه موتناژ و مقدار زیادی خرابه. کارخانه‌های اتمی و غیره که یک پول به درد ایران نمی‌خورد و تنها خراب کردنش حالا برای ما صدها میلیون دلار خرج بر می‌دارد. این است وضع اقتصاد درسته‌ای که ما در باره‌اش این قدر صحبت می‌کنیم و چنین است واقعیت دعوی مربوط به غارت «مشترک» «شرق» و غرب! یکی از عمده‌ترین منابع انباشت ثروت سرمایه‌داران بزرگ وابسته ایران همین واردات بوده است. درست است که بخشی از همین واردات به کارخانه‌های دولتی و به دولت مربوط بوده، ولی بخش مهمی از آن نیز به دست سرمایه‌داران بزرگ، وابسته داخلی انجام می‌گرفته که بعد از انقلاب تقریباً دست نخورده باقی مانده است. به‌طوری که آمار بانک مرکزی نشان می‌دهد، میزان واردات بخش خصوصی در سال اول بعد از انقلاب یعنی در سال ۵۸، دو برابر واردات سال پیش از آن بوده، یعنی میزان واردات بخش خصوصی نه فقط کم نشده بلکه به ۲ برابر سال پیش از آن رسیده است. اگر در نظر بگیریم که قیمت‌ها در دنیا به‌طور متوسط هر سال ۱۰ تا ۱۵ درصد بالاتر است، در حالی که قیمت بسیاری از کالاها مورد احتیاج عمومی در ایران ۴۰۰ درصد تا ۵۰۰ درصد افزایش یافته است، معلوم می‌شود که چه غارت عجیبی به‌وسیله این بخش سرمایه‌داری تجاری وابسته به واردات کالاهای امپریالیستی در این دوسال پس از انقلاب انجام گرفته است و آن هم در حالی که طبق اظهار رسمی معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب دولت تقریباً مالیات مستقیم وصول نمی‌کند. یعنی از این درآمد بی‌حد و حصر چندین میلیاردی سرمایه‌داران وابسته به انحصارهای خارجی، دولت حتی مالیات به وصول نکرده است. به این ترتیب روشن می‌شود که علت اصلی بیماری کنونی اقتصاد ما و به‌خصوص بخش مربوط به تهیه و توزیع کالاهای مصرفی عمومی، عبارت است از تسلط بی‌بندوبار و بی‌کنترل سرمایه‌داران واردکننده وابسته به انحصارهای کشورهای امپریالیستی غرب بر اقتصاد ایران. این است ریشه بیماری وحشتناکی که اکنون همه‌آن را روبرو هستند. هرکسی که صبح می‌رود بونج بخرد، کبریت بخرد، چراغ نفتی بخرد، و به‌طور کلی هرکدام دیگری را هم از خارجی و داخلی بخرد (چون قیمت کالاهای داخلی هم همراه با تشدید تورم، با همان سرعت به‌طور سرسام‌آور بالا می‌رود)، حتی می‌کند که چه‌طور روز به‌روز بیشتر غارت می‌شود. تمام قشرهای حقوق‌بگیر جامعه، ما، زحمتکش جامعه ما، دهقانان، کارمندان جز، آنها جز کار خود، منبع «درآمد» دیگری ندارند، مازادی ندارند، خانه‌ای ندارند که خود بنشینند یا اجاره دهند، کالایی تولید نمی‌کنند که سودش مطابق با افزایش قیمت‌ها بالا برود، و فقط با دستمزد و حقوق و یا محصول رحمت مستقیم خود زندگی می‌کنند، در نتیجه گرانی سرسام‌آور ناشی از غارت بی‌حد و بار مشتی سرمایه‌داران وابسته نه فقط نمی‌توانند چیزی از محصول زندگی خود بی‌اندوزند تا ملافه‌رشی و گلیمی بخردند، بلکه برعکس اگر قالیچه‌ای هم داشته باشند، یواش یواش باید آن را ببرند برای گرو و بعد هم فروش تا بتوانند مایحتاج روزمره خود را تأمین کنند. این چه وضعی است که مثلاً قیمت یک دوچرخه در عرض یک هفته از ۸۰۰ تومان می‌رسد به ۱۸۰۰ تومان. آخر قیمت جهانی آن که تغییری نکرده، قیمت رسمی‌ارز هم که تغییر نکرده، تاجار با دلار ارزان‌تر تومانی یا مارک ۴ تومانی آن دوچرخه را وارد می‌کند اگر حساب و کتابی در کار باشد، خوب ۱۰ درصد هم روی آن می‌کشد ولی در عرض یک هفته ناگهان دوچرخه ۸۰۰ تومانی می‌شود ۱۸۰۰ تومان! یعنی ۱۲۵ درصد به آن اضافه می‌شود و تازه یک هفته بعد می‌شود ۲۴۰۰ تومان. یعنی اصلاً کنترل در کار نیست.

در دورانی که مسئله قانون اساسی مطرح بود، یکی از مهم‌ترین مسائلی که حزب ما در زمینه تأمین اقتصاد مردمی مطرح کرد، این بود که جلوی غارت بی‌بندوبار سرمایه‌داری وابسته را باید گرفت. باید مؤسسات آن را ملی کرد و درآمدهای کلان ناشی از واردات را به بیت‌المال عمومی، صندوق دولتی، بقیه در صفحه ۶

دیده‌ای را یارای رویت آن است.

دست‌گران را کوتاه می‌خواهند!

سال‌ها واحدهای تولیدی، این شریان حیاتی کشور در دست بزرگ سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم بود. کارفرمایان فعال می‌باشند. بودند. آنچه می‌خواستند فارغ از هرگونه محدودیت و برکنار از نظارت هیچ قانون مردمی، می‌کردند. چنگیزوار آمدند و زدند و سوختند و کشتند و بردند. اما در همواره بریک‌پاشند نمی‌چرخید و آتش‌فشان فوران کرد. طاغوتیان گروهی رخت‌سفر برپشتند و زحمت را کم‌کردند. گروهی به چنگال قهار عدل انقلابی گرفتار آمدند. اما دسته‌ای باتوسل به شیوه‌های استتار شده ماندند و کار خویش را بگونه ای دیگر در شرایط نوین سامان بخشیدند. این روش‌ها باید کشف، افشا و طرد می‌شد، و طبقه کارگر به مثابه یگانه‌نیروی که با همه وجود گرفتار چنان بندهایی بود، ناگزیر در صف مقدم مبارزه با این پس‌مانده‌های نظام پیشین برآمد. باید دست‌کشان سرمایه‌داران از شاخه‌های کار ساز صنعت و بازرگانی و خدمات قطع می‌شد. فریاد طبقه کارگر در این راستا همواره بی‌جواب نبود. اما متأسفانه همیشه بازتاب‌ناپذیر خود را در میان دست‌اندرکاران نمی‌یافت. بسیاری واحدها به خواست کارگران وبا پایمردی سدیگا و شوراهای به‌دستیاری نهادهای انقلابی، ملی شدند. سازمان صنایع ملی‌شده که یک‌شورای هفت‌نفره در رأس آن قرار داشت، پدید آمد و کنترل سیّد و نود واحد تولیدی را که ملی‌شده بود، در دست گرفت.

فشار به حق کارگران برای شمول هرچه بیشتر ملی شدن بر واحدها همچنان در کار است و جز این نمی‌تواند باشد. نظریه پردازان و مبلغین سرمایه‌داری همواره تاکید کرده‌اند که دولت‌مدیر خوبی نیست و ملی کردن واحدها سرانجامی جز رکود در تولید و ورشکستگی کارخانه‌ها، به بار نخواهد آورد. بدیهی است کارگران این سفسطه‌ها را با پیش‌انقلابی خویش طرد می‌کنند و می‌دانند که در یک نظام انقلابی و خلقی، مدیریت انقلابی می‌تواند نه تنها عوارض جانفرسا و فاجعه‌بار مالکیت خصوصی را جبران کند، بلکه با برنامه‌ریزی صنعتی و به‌سود نوده‌های مردم هم‌زمان با جلوگیری از اشکال گوناگون بروز ضایعات، صدها برابر ظرفیت تولیدی واحدها را هم از جهت کمی و هم از نظر کیفی ارتقاء دهد. این همان روندی است که امروز در بسیاری از

طبقه کارگر ایران برای ملی کردن واحدهای بزرگ تولیدی و اداره انقلابی آنها، مبارزه بی‌امانی را آغاز کرده است

از نظام‌های مردمی به‌طور گسترده و با موفقیت ادامه دارد. هم‌اکنون روایتی که کارگران همچنان دست‌اندرکار مبارزه برای خلعید از زالوفشان طاغوتی کارفرمایان هستند. ضد انقلاب البته با جا دادن مدیران طاغوتی، سازشکار، غیرانقلابی و فاقد تحرک لازم، نیز آن‌ها که شیوه اعمال نفوذ انقلابی را خوش نمی‌دارند و منافع کارگران را به‌چیزی نمی‌گیرند، در رأس واحدها در تلاش است تا این روند را متوقف کند و به‌بیراهه کشاند. اما کارگران انقلابی برخاسته ملی شدن ماندند و اعمال مدیریت انقلابی را نیز دنبال کردند. آنان هرچاله نشانی از مدیریت ناسالم دیدند کوشیدند تا ضمن کنار زدن آن، با اداره شورایی و با کمک موثر و رسمی خویش این‌خلاف را پرکنند. تجربه موارد اتفاقی در این یکی‌دو سال آنان را به‌پافشاری درخواست انقلابی خویش استوارتر کرده است.

کارگران به‌چشم خویش می‌بینند هرچاله اعمال مدیریت از طریق نماینده کارگران، کارکنان و فرستاده دولت توما صورت گرفته بسیاری از وظایف عظیم‌مانده و انبوهی از نارسایی‌ها و دشواری‌ها از پیش پای برداشته شده است. برعکس مدیران غیر انقلابی بر دشواری‌های موجود افزوده‌اند نمونه زیر گویای همین نظر است:

اکنون، مدیر دولتی کارخانه فایزریک نفر داروساز وابسته به حزب منحل رستاخیز و عضو کانون "سپاهیان انقلاب" شاهانه در رژیم پیشین است. وی از طرفداران رژیم سابق و کارمند بخش "تغذیه رایگان" (بخوان سرفه غارت رایگان برای بوروکرات‌ها)، معاون "سیمان تهران" در همان رژیم (هم‌زمان با کمبود شدید سیمان) و شخصی است که از نظردانش داروسازی نیز چندان قابل توجه نیست!

مشتی است نمونه... کارخانه‌های داروسازی ایران در راه قطع وابستگی و نیل به خودکفایی در جامعه نقش والایی دارند و اکنون تولید آن‌ها بسیار افسان کرده است. فرستادن ناظر و مدیر دولتی به دنبال ملی کردن این واحدها نیز چنان که می‌دانیم به‌جا و شایسته است. ولی با مدیران وابسته که عمیقاً با نظام انقلابی و خلقی مابین‌مانده چه می‌توان کرد؟ مساله این جاست. باید گفت وظیفه خطیر کارگران در افشا و طرد مدیریتان وابسته از تلاش آنها برای ملی کردن واحدها اهمیت کمتری ندارد. دکتر صادق، یکی از اعضای شورای سازمان صنایع ملی‌شده در این زمینه می‌گوید:

"در آن نظام (سلطنتی) یک‌سری مدیر با اتکاء به نیروهای غیرمردمی مدیریت می‌کردند. وی ضمن تصریح این نکته که باید جامعه را با مدیریت جدید اداره کرد، به‌درستی اضافه می‌کند که: "... این کار زمان می‌خواهد. در بین ما افرادی باید رشد کنند تا بتوانند کارخانه‌ها را با وضع جدید اداره کنند، نه با دیکتاتوری و اتکاء به نیروهای غیر، همانند شلاق ساواک بلکه متکی بر نیروی کارگر و خواست توده مردم. این سیستم مدیریتی جدید برای بسیاری از مدیران ما ناآشناست و به‌طور طبیعی ما تا مدت‌ها در کارخانه‌جات خود از این نوع مشکل فراوان داریم..."

بقیه در صفحه ۶

می‌جنگند و جنگاوران را یاری می‌دهند

نام‌آوران جبهه کار به سنت خویش در سنگر می‌شوند. آنان زیر باران گلوله‌ها از هزار جان توانای خویش بر ضد خصم نابکار تجاوزگر استمداد می‌کنند. فرقی نمی‌کند بر ضد سرمایه‌دار وابسته و رژیم پهلوی یا بر علیه دست‌لرزان امپریالیسم در آستین صدام. هم در این هنگامه است که کارگران ماشین‌سازی اراک به شهادت می‌رسند و در شهادت‌نامه‌ها الهه مهدی‌زادی، پاسدار و کارگر ذوب‌آهن، انبوه کارگران ذوب‌آهن منطقه کرمان، "سیمان می‌پندند تا آخرین قطره خون خود را نثار انقلاب کنند و از میهن انقلابی تا آخرین نفس دفاع کنند!" و چه بسیارند آنها که در غوغای ویرانگر بمب‌ها، بی‌هراس و دلیرمبارزه می‌کنند و می‌میرند، مرگی را که با افتخار است: شش‌تن از کارگران ایران ناسیونال، شهوند و هلی‌کوپترسازی زیر بمباران هواپیماهای دشمن شهید می‌شوند.

دشمن، کارخانه‌ها و ستادهای کارگری را که به حق ستاد بسیج انقلابی میهن ماست، درهم می‌کوبد و طبقه کارگر ایران همچنان می‌رزد. تصفیه‌خانه‌ها، تلمبه‌خانه‌ها، اسکله‌ها، پل‌ها، سدها، راه‌ها، نیروگاه‌ها، کارخانه‌ها (صنایع فولاد، ذوب‌آهن و...) درهم کوبیده می‌شوند ولی دشمن خشت بر آب می‌زند. این جا ققنوس آشیان گرفته است که از همه این خاکسترها تولد دیگری خواهد یافت.

عصر شنبه ۷/۲۶ تلمبه‌خانه گاز و مکت‌سازی اهر مورد حمله هواپیماهای دشمن قرار گرفت و به کلی منهدم شد... و فردا دوباره از نو ساخته خواهد شد! به دست توانای طبقه کارگر ایران!

از کارخانه که خود سنگری استوار و اساسی است تا جبهه جنگ، صف کارگران روان است. جبهه را باید سامان داد و تجهیز کرد. باید به فن رزم‌آوری دست یافت. دست‌های پینه‌بسته و کارآزموده، آموزش‌پیکار می‌بینند، ستادهای بسیج نظامی در کارخانه‌ها دایر می‌شود. همه جا، هرسو و این جا:

در پالایشگاه تهران هم‌اکنون علاوه بر این که آموزش نظامی از سوی سپاه پاسداران پالایشگاه، هر روز بعد از ظهر، برقرار شده، ستادیه نام "ستاد پشتیبانی فنی" در کار است.

این ستاد افرادی را که در هفته حداقل یک روز به کارهای اضطراری پالایشگاه رسیدگی می‌کنند، دربرمی‌گیرد، تا اکنون بسیاری در این ستاد نام‌نویسی کرده‌اند. سندیکاها و شوراهای هم‌جا در تکاپویند و در این کار دمی از پا نمی‌نشینند. تفنگ را باید نشانه رفت و دست‌ها باید به این فن مسلح شوند. با یک دست ابزار کار و در دست دیگر تفنگ! این شعار امروز همه کارگران را به‌کار آورده است! این البته همه کار نیست، می‌توان علاوه بر جان، از هرامکان دیگر یاری جست و به امر دفاع کمک کرد. سیل کمک‌های رنگارنگ، لباس و وسایل گوناگون، نقدینه‌های ناچیز دسترنج اندک‌رو به جبهه نثار می‌شود.

کارکنان کارخانه‌های انرژی یک میلیون ریال به امر دفاع اختصاص دادند... کارکنان کارخانه تکنوایس (وابسته به بنیاد مستضعفین) یک روز حقوق خود و هزینه ناهار یک هفته خود را به امر جنگ میهنی اختصاص دادند...

باید دست سرمایه‌داران بزرگ از شاخه‌های کارساز صنایع و بازرگانی و خدمات قطع شود!

کارگران ایران ناسیونال همه چیز، از جمله کمترین ثروت خویش - جان گرانقدر - را نثار میهن خواهند کرد. کارگران کاشی و سرامیک سعدی بر علیه آمریکای جنایتکار و نوکر آن صدام تا آخرین قطره خون خود را نثار خواهند کرد...

و این قطره‌ای از دریای ایثار طبقه کارگر ایران. اما علاوه بر کارخانه، می‌توان نیروی کار خود را در جای دیگر، در تجهیز وسایل و برای مرمت خرابی‌ها به‌کار گرفت. در این راه هرکس کاری می‌تواند و همه می‌روند تا خللی در کار نیاید و رخنه‌ای باقی نماند:

سازمان بسیج مستضعفین ضمن تشکر از کارگران ناوایی که قبلاً به اهواز اعزام شده‌اند از بقیه کارگران سندیکای ناوایی‌های تافتونی و خشک‌پزی - داوطلب خدمت - خواست با سرپرست سندیکا تماس گیرند تا ترتیب اعزام آنان داده شود.

تا اکنون یکصد و شانزده تن از کارگران فنی کارخانه‌های ایران ناسیونال در رشته‌های مکانیک و برق اتومبیل و جوشکاری، داوطلبانه جهت تعمیر خودروهای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به غرب کشور اعزام شده‌اند...

کارکنان تکنوایس (چهارصد نفر) برای تعمیر دستگاه‌ها و خودروهای نظامی اعلام آمادگی کردند... و چه بسیار از این نمونه‌ها که پیش از این در رسانه‌ها دیده‌ایم و شنیده‌ایم. آوردن شاهد مثال‌ها کاری است زاید و البته نه گویای وسعت کار و عظمت مبارزه. آن چه هست در این مختصر نمی‌گنجد، چیزی است که در بطن وطن زاده می‌شود و آفتابی است عیان که هر

درباره وظایف مبرم طبقه کارگر

بر کارگران ایران چه می‌گذرد؟

طبقه کارگر ایران از میان آتش و خون گذشته است تا پولاد آبدیده خوشبختی و ترقی مردم میهن مارا به نسل‌های آینده ارزانی دارد.

دور نمی‌رویم. تا همین دو سال پیش چماق سرکوب دستگاه "سیا" ساخته ساواک، بی‌امان و بی‌درنگ، بر سر همه و بی‌وزنه بر کرده کارگران فرود می‌آمد. کارخانه‌ها شبانه‌ها با ستادهای کار و تلاش آفرینشگر انسان‌ها نداشت. پادگان‌های در فروبسته‌ای بود که دستگاه "حفاظت" آریامهری آن را با سیم خاردار محصور کرده بود. زمان گذشت و درخت بالنده کار روئید و بالید و دیوار خفقان را با ریشه اعتصاب و با تن تنومند رزم فرساینده تیشه زد و ترکاند. بذره‌های تاریخ به‌خوشه نشست.

با پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، افقی تازه در آسمان میهن پدید آمد، زلال و امیدبخش چون صبح بهاری. طبقه کارگر ایران در گلباران پیروزی، پیرایه‌های طاغوتی را به‌جا رُو گرفت. سندیکاها که سالیان سال در زندان رژیم وابسته به امپریالیسم گرفتار خفقانی مژمن بودند قامت از نو افراشتند و شوراهای انقلابی در واحدهای تولیدی سر برآورد. به همت این مجامع صنفی - انقلابی و با سودجویی از رایج دلائل انگیز انقلاب که بر میهن سایه گسترده بود، بسیار دژها از بزرگ سرمایه‌داران خون آشام به‌دست توانای زحمتکشان فتح شد و شالوده‌ای نو، پیشرو و شایسته برای زندگی و کار آنان فرادست آمد. و این مبارزه ادامه یافت و فراگیرتر شد. هنجارهای ناهنجار گذشته با طرد و از صحنه بدر شد با به‌کلی زیر سوال قرار گرفت. کودک دیروزین به بلوغ دست یافته بود و پا را از گلی می‌که دلالان امپریالیسم بافته بودند فراتر می‌گذاشت.

انقلاب بر دژهای ناگشوده یورش می‌برد و مقاومت‌ها فاش‌تر می‌شد. هفت خوانی در پیش بود که، از جمله و سهمگین‌تر از همه، می‌بایست با قهرمانی طبقه کارگر ایران فتح شود: هفت خوان طرد امپریالیسم، بسرای

جانشانی در راستای حفظ دستاوردهای انقلاب و دفاع از میهن انقلابی در برابر تجاوز نظامی نوکران امپریالیسم متقدم‌ترین وظیفه کارگران است

دست یافتن به استقلال، پیشرفت و آزادی. ضد انقلاب پس از پیروزی، در ستیز با طبقه کارگر تمهیدها اندیشید و دام‌ها گسترده، دودستگی‌ها آفرید، زمینه‌های درگیری و تشنج را همواره و پیگیر فراهم آورد و بر اعتصاب‌ها امید بست. اموال خلق را بی‌وزنه در قالب انبارهای پر از کالا و مواد مصرفی به مخفیگاه احتکار نقل مکان داد و دستگاه‌ها و ماشین‌آلات را به‌دست تخریب سپرد. از سلاح فرسوده قوانین پیشین به‌نهایت سود جست و کارگران را در دسته دسته اخراج کرد. دسترنج اندک کارگران را نیرداخت، مزایای قانونی آنان را وتو کرد و با نهادهای صنفی - انقلابی به مبارزه برخاست. به نام اسلام آمریکایی بر بنیاد احکام انقلابی اسلام تاخت‌آورد و زیرماسک چپ‌نمایی با طرح بی‌اس‌ترین شعارها - صفوف متحد کارگران را به شکاف "حیدری و نعمتی" گرفت، تا به خیال خام خویش یکی "انگور" بگوید و دیگری "اوزوم" فریاد کند و آن سومی از "عنب" یاد کند و همه شمیر برهم کشند.

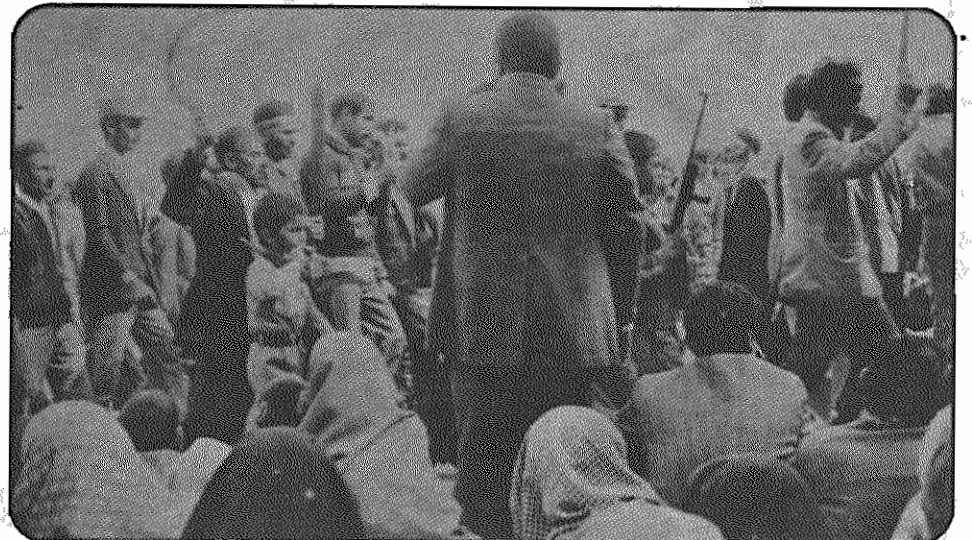
ضد انقلاب در لباس کارفرمایان ستم‌پیشه سودجو، چپالوگر و عمیقاً سرکوبگر، همه‌جا کوشید تا جلومداره کارخانه‌ها و ملی شدن موسسه‌های تولیدی را بگیرد، از اعمال تاثیر و نفوذ سندیکاها و شوراهای بگاهدو آرام به‌مسند خدایی پیشین نزدیک شود.

بسیار آزمون‌ها که انقلاب از سرگذراند و خوان‌های تاریخی فتح شدند و خلق انقلابی به‌رهبری امام خمینی سازش‌ناپذیر، سرانجام بر ظلمات اهریمن بزرگ هجوم برد تا آب حیات بیابد و جاودانه شود. رمز جاودانگی در این بود و هست: ملت انقلابی باید از این مبارزه نیز پیروز سربلند می‌گردد. چنین شد که ما به محو همه "گرفتاری‌ها" خود که به‌گفته رهبر انقلاب "از دست آمریکا" بود، کمر همت بر بستیم و اکنون در این راهیم. جنگ امروز ما با صدام - عروک امپریالیسم آمریکا در کشوری که خلق آن دوست، برادر و هم‌رزم ما است، نیز حلقه‌ای از مبارزه دوران‌ساز علیه ستم‌پره جهانی امپریالیسم جهانی و در رأس همه آمریکا را تشکیل می‌دهد.

امروز، برابر طبقه کارگر ایران میدان گسترده ای برای تلاش و مبارزه قرار دارد: رفتن به جبهه جنگ و دست‌های کار را به‌ما شه‌چکان انقلاب تبدیل کردن، تفنگ در دست از کارخانه‌ها حفاظت کردن، با دست‌هشیار بر پوزه دروغ‌زن ضد انقلاب کوبیدن، کار کردن، کار کردن و هرچه هست را به امر دفاع اختصاص دادن و ضد انقلاب را در هزار چهره ویرانگرش افشا و طرد کردن و در یک کلام از دستاوردهای انقلاب درامتی‌ترین کانون کار و پیکار آن پاسداری کردن. در این عرصه طوفانی طبقه کارگر ایران، پیش‌تاز و حماسه آفرین، سرانجام پیروز و سربلند قله‌های فتح را به سوی دشت سرسبز و آباد استقلال و ترقی، خواهد گشود. جای هیچ تردید نیست که این آینده ناگزیر قربانی‌ها خواهد گرفت، بگذارد در فردای سعادت بار میهن از ضحاک امپریالیسم تجاوزگر زمانه - آمریکا - نشانی نباشد. کاوه‌ها را بگو تا سلاح را صقل دهند!

رپرتاژ مصور از:

راهپیمایی روستائیان اطراف اصفهان علیه امپریالیسم آمریکانو تجاوز نظامی صدام



ارتش عظیم زحمتکشان روستا آماده لبرد است. تا این ارتش هست، نه صدام میتواند غلطی بکند و نه آمریکا. داس دهقان اسلحه اوست. هر خوشه‌ای را که می‌چیند، خمپاره‌ای به قلب دشمن است.



زنان و دختران مبارز و قهرمان میهنان حاضرند در تمام جبهه‌ها علیه صدام جنایتکار و اربابش شیطان بزرگ، بزنند. زنان دهقان داس در دست دارند. این تفنگ پر قدرت آنهاست.



حتی سالخورده‌ترین دهقان نیز به صف راهپیمایان علیه تجاوز آمریکا آمده است. بیل‌ها و شن‌کش‌ها و داس‌های دهقانان نیز سلاح برای زحمتکشان روستائی‌ها در مقابله با توطئه‌های آمریکاست. (آبان ۱۳۵۹)

واگذاری زمین به دهقانان ضربه سختی به لیبرال‌هاست

هفته قبل در جلسه پرسش و پاسخ، رفیق کیا نوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، پیرامون علل گسترش حملات لیبرال‌ها، یعنی کسانی که میخواهند، انقلاب ما را متوقف کنند، بساط سرمایه‌داری غارتگر و بزرگ مالکی را دست نخورده نگه دارند و با امپریالیسم آمریکا کنار بیایند و سازش کنند، صحبت کرد. در این سخنان، رفیق کیا نوری ضمن تشریح ضرباتی که بر لیبرال‌ها از جانب نیروهای قاطع و صدیق انقلابی وارد آمده، منجمله از اصلاحات ارضی و فرازونشیب آن در یکسال و نیم اخیر یاد کرد.

ما این قسمت از بیانات رفیق کیا نوری را - که مشروح آن در شماره ۲۵ آبان ۵۹ "نامه مردم" چاپ شده - با بار دیگر در این صفحه برای توجه همه دهقانان، علاقمندان بمسائل بسیار مهم و حیاتی ارضی و دهقانی، چاپ می‌کنیم:

در زمینه اقتصادی هم لیبرال‌ها ضربه‌های سختی خورده‌اند. ما میدانیم که دولت "گام به گام" آقای بازرگان با انتصاب بزرگ مالکی مثل ایزدی وابسته به امپریالیسم، با هرگونه فکر اصلاحات ارضی دشمنی آشفتنی‌ناپذیری نشان می‌داد و با تمام قوا از این که چنین فکری اصولاً مورد بحث قرار گیرد، جلوگیری می‌کرد ولی پس از سرنگونی دولت لیبرال "گام به گام"، ما می‌بینیم در این زمینه که یکی از عرصه‌های مهم اقتصادی کشور ما است، تصمیماتی به سود دهقانان کم زمین و بی زمین به سود توده وسیع دهقان در جهت خلقی اتخاذ شده است ولی لیبرال‌ها که در دستگاه دولتی و در اقتصاد ایران فوق العاده نیرومند بودند و بزرگ مالکان و سرمایه‌داران بازاریان را با پشتیبانی می‌کردند و در وزارت خانه‌ها هم تمام اهرم‌ها در دستشان بود، به کمک گروهی از روحانیون و عاظ السلاطین که از اولش هم با انقلاب نبودند و تا آنجا هم که آمدند زیر فشار افکار عمومی جامعه بود، یک کارزار وسیع تبلیغاتی علیه اصلاحات ارضی به راه انداختند و در جایی حتی با مبارزه مسلحانه مزدوران ملاکان و فئودال‌ها جلوی پیشرفت اصلاحات ارضی را گرفتند. ولی به طوری که می‌دانیم بالاخره به این تلاش لیبرال‌ها ضربه محکمی وارد آمد. قانون اصلاحات ارضی دومرتبه مطرح شد و ما دستور داد، این قانون دومرتبه مورد بررسی قرار گیرد و مرجعی که از فقهای طراز اول یعنی آیت الله منتظری، آیت الله بهشتی و آیت الله مشکینی تشکیل شده بود، دومرتبه تأیید کردند که این قانون درست و کاملاً بجاست و باید اجرا شود و دستور اجرای این قانون دومرتبه دادند و الان در این زمینه فعالیت جدی آغاز شده است. این پیشرفت در زمینه اجرای قانون اصلاحات ارضی، ضربه خیلی سنگینی است که بر لیبرال‌ها وارد می‌شود. وظیفه‌ای است که با چنین ضربه‌ای جیغ و داد آنها بلند شود.

پی‌گیری خواست‌ها و شکایات دهقانان

که این کانال از آنجا جدا می‌شود، می‌روند. در آنجا به علت عدم مدیریت درست آبرسانی، درگیری شدیدی به وجود می‌آید و حتی شب و پای دو تن از نگهبانان بسته می‌شود و آب را از مسیر منحرف می‌کنند و حتی بین کشاورزان و شخصی به نام جواد، که احتمالاً میراب منطقه است، درگیری ایجاد می‌شود. این مطالب، گفته‌های خود زارعین منطقه خمیران و معاف است، که بر آن تأکید دارند.

۲- خود کشاورزان منطقه چهار فریضه تأیید می‌کنند که در زمان کم‌آبی، در چند نقطه، کانال به وسیله افراد غیر مسئول سوراخ شده بود و حتی در چند نقطه در شاندرمن کانال آبرسانی را با الوار بسته بودند و آب را از مسیر منحرف کرده بودند.

۳- کشاورزان منطقه کیورچال به علت بی‌آبی شدید مجبور به اقداماتی شدند و حتی تعدادی مزرعه در کیورچال به جهت بی‌آبی محصول نصف برداشت کرده‌اند. علت اصلی همه اینها کم‌آبی کانال‌ها و عدم مدیریت صحیح در آبرسانی و همچنین دخالت افراد غیر مسئول در امر آبرسانی بوده است.

رسیدگی به این مسائل کمک خواهد کرد تا در آینده آبرسانی، که مسئله عمده‌ای در کشت برنج است، به درستی انجام شود و کوشی خواهد بود در جهت خودکفائی و تأمین ارزاق عمومی در داخل کشور و اجرای فرمان امام خمینی برای کشت هر چه بیشتر و تولید هر چه فراوان‌تر

در شماره ۲۶۰ نامه "مردم" مطالبی پیرامون مزارع برنجکاری کیورچال (بندر انزلی) و مسئله آبیاری شالیزارها و احقاق حق دهقانان درج شده بود. نامه‌ای که به تاریخ ۵۹/۷/۱۰، به شماره ۹۸۳۵، از جانب شرکت سهامی آب منطقه‌ای شمال (وزارت نیرو) نوشته شده بود، اعلام می‌کرد که این مطالب با حقیقت وفق نمی‌دهد. در نامه‌اشعار شده بود که به موقع آب کافی از طرف کانال آب بر فومن داده شده و کشاورزان به موقع نسبت به برداشت محصول اقدام کرده‌اند.

با تشکر از توجه مقامات مسئول نسبت به شکایات و مسائل مطروحه توسط دهقانان، خبرنگاران مادر منطقه مطالب زیر از زبان خود روستائیان شنیدند، که بر صحت مطالب مندرجه قبلی گواهی می‌دهد. شایسته است که مسئولان مربوطه با دلسوزی و علاقمندی بار دیگر به مسئله رسیدگی کنند و اگر نقصی هست، یا احتمالاً خرابکاری در کانال آبرسانی شده و تعدی در مسدود کردن آن بوده، فکر عاجلی بکنند، تا به دهقانان در تولید بیشتر کمک شود و این منطقه بتواند به سهم خود کشور را از واردات برنج بی‌نیاز گرداند.

مطالبی که در محل، خود دهقانان می‌گویند، به قرار زیرین است:

۱- در تاریخ مذکور عده‌ای از روستائیان قراء خمیران - معاف - اشبلا، که با بی‌آبی شدید مواجه شده بودند، به کانال آبرسانی آن منطقه، که شاخه رودخانه است و به محل سید ابراهیم شاندرمن،

دهقانان! از اعضای متعهد نهادهای انقلابی جهاد سازندگی

وسپاه پاسداران برای تشکیل شورای ده

و تسریع کار هیئت هفت نفری کمک بگیرد

کرد. هر قدر در شرایط فعلی قاطعانه‌تر عمل کنیم و تحولات عمیق تری را در روستاها به وجود آوریم، پیروزی انقلاب زودتر تضمین می‌شود. زمین‌های زراعتی نیز صحنه نبرد است. در این جا هم باید پیروز شد.

برای بهبود تولید و تقویت نیازهای مردم در پشت جبهه بهره‌گرفت. در شرایط حساس فعلی، که انقلاب ما درگیر یک جنگ تحمیلی از طرف امپریالیسم آمریکا و رژیم مزدور صدام حسین است، می‌توان و باید از تمامی امکانات استفاده

شاید با به دست آوردن کاروباراز بیکار روی گرسنگی نجات یابیم. هم اکنون خطر مهاجرت جمعی و تبدیل روستا به یک ده متروکه‌ها این ناحیه را تهدید می‌کند. با حل معضل آب در این روستا می‌توان از امکانات موجود در روستای ریجان

متأسفانه به علت عدم بارندگی و خشکسالی قسمت اعظم بذرها یمان سوخت و حاصلی بسیار ناچیز به دست آمد. لذا ما مجبوریم اواخر پاییز برای همیشه زادگاه اصلی خودمان را با اتفاق خانواده‌ها یمان رها کرده، راهی قزوین شویم، تا

هرگز بر نمی‌آیند و در نتیجه مقدار محدودی زمین‌های خود را می‌توانند به زیر کشت ببرند. یک جوان روستائی به نام محمدعلی چگینی می‌گوید: "ما ده خانوار جمع شدیم، با قرض و قرضه در حدود ده هکتار بذر به زیر کشت بردیم."

تعداد زمین قابل کشت در این روستا نسبتاً زیاد و برای دامپروری و گوسفندداری بسیار مساعد است. لیکن مسئله آب مانع کار روستائیان و رشد تولید است. برای تأمین آب زراعتی با یستی اقدام به حفر چاه و خرید موتور آب‌کده، که دهقانان بی‌چیز از عهده اینکار

در این روستا ۱۰ خانوار زندگی می‌کنند، که سابقاً از عشا برکرد کوچیده بودند و اکنون سالهای متمسادی است که در این مکان اسکان داده شده‌اند. وضع خانه‌های مسکونی این روستا بسیار اسفنا راست و از بر قوبه‌هاست هم‌خبری نیست.

روستای ریجان در شمال غربی قزوین، بین راه رشت و قزوین دور از جاده واقع است.

درباره وظایف مبرم طبقه کارگر...

بقیه از صفحه ۴

البته با توجه به درستی این تشخیص نیاید به سبب طبیعی بودن این دشواری ها "تا مدت ها" آن را تحمل کرد. در جامعه ما بسیار هستند مدیران انقلابی و کارآمد که در کوتاه ترین فاصله ممکن می توانند خلا را پر کنند، اگر ملاک آن باشد همان طور که در سخنان ایشان متکی به نیروی کارگر و خواست توده های مردم "عنوان شده است، ولی در ادامه سخنان دکتر صادقی می خوانیم: "وزارت صنایع و معادن، مدیرانی که برای اداره کارخانجات ملی شده قرار می داد خودشان حالت مکتبی نداشتند" و بدین ترتیب کارگران "... می دیدند که همان مدیران سابق حداقل با خلق خود نسبتا طاغوتی آمده و می خواهند مثل سابق کارخانه را اداره کنند، لذا درگیری های خیلی زیاد بود..."

آری مشکل این جاست و اگر در صنایع ملی شده ظرفیت صدرمد نیست و در بسیاری از موارد بین سی تا حداکثر پنجاه درصد است، مشکل مدیریت سهم به سزایی در این نقیصه دارد.

آقای دکتر صادقی سرانجام در سخنان خود نتیجه گیری درست را چنین ارائه می دهند:

"من معتقدم که از نیروی کارخانه کسی را نباید مدیر گذاشت... وقتی که می بینیم از بین جمعیت کارمندان و کارگران کسانی هستند که بهتر می توانند نیازهای تولیدی را بیان کرده و اداره کنند... بلی خواست کارگران نیز همین است و انقلاب نیز در مسیر توفنده خویش چنین اقتضا می کند، متأسفانه در دوران سلطه صاحب گام به گام "چوب خرمهره" که خود را "در" جازند (و جازده شدند!) و اکنون این مهم بادشواریهایی بیشتری همراه شده است.

چنین است که کارگران به سود انقلاب و در راه رهایی جامعه و بالطبع تامین سعادت خویش در نهایت امر، برای طرد این نشانه های عفونت ناگزیر از مبارزه ای دشوار اما برحق اند.

نماینده کارگران پارس لایت (قم) (که درگیر اشکال گوناگون سنگ اندازی کارفرما هستند و از جمله توطئه اخراج عده ای از یاران خود را توسط او، بخشی کردند)، چنین می گوید:

"تا کارخانه ها در دست دولت قرار نگیرد و تازمانی که این سرمایه داران خون آشام وجود دارند، مشکلات ما به قوت خود باقی است. ما باید حتما از طرف دولت تقویت شویم."

کارفرمایان بر سر راه تعمیق انقلاب در واحدهای تولیدی کارشکنی می کنند و هر چند بر طبق ضوابط سازمان صنایع ملی شده، هر کارخانه ای که بیش از دو میلیون تومان سرمایه و چهل کارگر داشته باشد، مشمول امر ملی کردن می شود، ولی در عمل این چارچوب بازتر می شود و حفظ، و مهم تر از آن تحقق عملی آن، آسان نیست.

کارگران ایران جوراب (قم) نیز چنین مشکلی دارند. کارفرما در صد است کارخانه را به داخل شهر منتقل کند و قسمت خارج از شهر را بفروشد و در همین زمینه تلاش کارگران با همکاری سازمان صنایع ملی شده ادامه دارد. کارفرما حقوق سه ماه کارگران را پرداخت نکرده و اکنون از بیست دستگاه جوراب بافی فقط ۵ دستگاه کار می کنند و بقیه کارگران بیکارند...!

این کارنامه کارفرماست. انهدام واحدهای تولیدی اخراج و سرکوب کارگران و بار خود را به هروسيله ممکن بستن و از مهلکه به درجستن.

مقایسه کنیم با آن جا که دولت نیز در اداره واحدی سهم است ولی مدیریت انقلابی نیست. نتیجه در یک مقطع، مشابه است:

در کارخانه ایران شیندلر، از ۵۵ سهم، سه سهم را دولت (با تاسوسه، وزارت صنایع و معادن و وزارت معین) یکی را بنیاد مستضعفین و دیگری را شیندلر سوئیسی داراست ولی از جهت تولیدی، از بدو انقلاب تا کنون کاری انجام نشده، حقوق کارگران به موقع پرداخت نمی شود و کارگران خود را در معرض دست دادن کار خویش می بینند!

سخن کوتاه، در این عرصه که به طور طبیعی دولت انقلابی باید مبتکر و پیشگام باشد، بارمبارزه با غارت طاغوتیان به طور عمده و گاه کاملاً بدوش کارگران است. امروز کشور در حال جنگ است. دشواری های اقتصادی مدجندان شده اند و قاطعیت انقلابی در مواجهه با تارهای و درهمانگ کردن امکانات موجود برای تقویت سازسازی اقتصاد و بویژه به منظور ایجاد تعادل در عرصه کالاهای مصرفی و تولیدات صنعتی ضرورت دم افزونی کسب می کنند. این ضرورت چاره را در خلق یک عنصر سرمایه دار وابسته و غارتگر، تولید کنندگان عمده غیر متعهد و بی اعتقاد به نظام انقلابی و مدیران ضد کارگری عرصه می کند. در تحقق این ضرورت به مثابه وظیفه مبرم انقلابی، اهرم انقلابی مبارزه طبقه کارگر ایران عامل اصلی است! در این زمینه رشته سخن را به یکی از بازرسین کانون کارکنان که به عنوان وزیر کار سابق ایراد شده می سپریم:

"در تماس با مسئولین اداره کل کار که معلوم شد که اقدامات توفی از سوی کارفرمایان طاغوتی در جهت فلج اقتصادی در دست اجاست که بایستی از تعمیقش جلوگیری شود. موضوع عبارت است از افزایش مزد کارگران خارج از لیست در برخی کارخانجات. هدف این کار دو چیز است: یکی جلب قلوب کارگران به ضرر نظم صنعتی کشور. دوم ورشکست نمودن صنایع به منظور ایجاد فلج سیاسی در صورت تعمیم این روش.

این است کارنامه مدیران طاغوتی و بی خبران انقلاب! اما کاملاً با خبر از شرکدها و اهداف "ضدانقلاب" آنجا که آیا بیهوده است که در واحدهای ملی شده، آنجا که منطقاً بایستی فرسنگ ها جلو رفته باشیم دشواری های اساسی بروز می کند، آشوب و اغتشاش، اعتصاب، کم کاری و نارضایتی کار را به آنجا می کشاند که برخی از کارگران از انقلاب و عملکرد آن رویگردان شوند؟ سبب آن است که مدیریت انقلابی همچنان معضل ناگشوده کارخانه ها است.

فی المثل کسی که پس از انقلاب به ریاست کارخانه درب و پنجره سازی آلومینیوم اراک گمارده شده، رئیس قبلی کارخانه سیمان تهران و از وابستگان حزب منحل

درباره جنبش مقاومت فلسطین (۴)

خلاصه قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد

درباره فلسطین

۲۹ ژوئیه ۱۹۸۰ (۷ مرداد ۱۳۵۹)

سرزمین های دیگر را متذکر می شود، اسرائیل را فرا می خواند تا بدون عدم تعرض به اموال و تجهیزات موجود، تا ۱۵ نوامبر ۱۹۸۰ (۲۴ آبان ۱۳۵۹) مناطق فلسطین و عرب، از جمله بیت المقدس را که از ژوئن ۱۹۶۷ (تابستان ۱۳۴۶) تا کنون اشغال کرده است، کاملاً و بلا شرط ترک گوید!

اسرائیل را فرا می خواند، تا قطعنامه ۴۶۵ (۱۹۸۰) را، که در تاریخ اول مارس ۱۹۸۰ (۲۴ آبان ۱۳۵۹) به اتفاق آرا، به تصویب شورای امنیت رسید، محترم بشمارد؛ اسرائیل را همچنین فرا می خواند، تا همه قطعنامه های "سازمان ملل" در باره موقعیت تاریخی بیت المقدس، به ویژه قطعنامه ۴۷۵ "شورای امنیت"، مورخ ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیر ۱۳۵۹)، را کاملاً رعایت کند؛ مخالفت خود را با هر گام و نقشه سیاسی، که هدف آن سکونت دادن فلسطینی ها، برون از مرزهای زاد و بومشان باشد، اعلام می دارد؛ از دبیر کل می خواهد تا در سی و پنجمین اجلاس "مجمع عمومی" درباره اجرای این قطعنامه گزارش دهد؛

از "شورای امنیت" خواستار است که در صورت عدم رعایت این قطعنامه از سوی اسرائیل تشکیل جلسه دهد و در باره وضع (فلسطین) و تصویب اقدامات موثرتر، به موجب فصل هفتم "منشور"

به بررسی بپردازد؛ تصمیم گرفته است که هفتمین اجلاس اضطراری ویژه را فعلاً به تعویق اندازد و به ریاست آخرین اجلاس عادی "مجمع عمومی" مأموریت دهد، تا به درخواست کشورهای عضو، نسبت به باز فراخوانی این اجلاس اقدام کند.

پس از بررسی مسئله فلسطین در اجلاس هی فوق العاده و ویژه، با اعتقاد به این امر که عدم حل مسئله نامبرده صلح جهانی و امنیت بین المللی را سخت به مخاطره خواهد انداخت؛ با اظهار نگرانی و تأسف از اینکه "شورای امنیت" در جلسه ۳۰ آوریل ۱۹۸۰ (۵ اردیبهشت ۱۳۵۹)، خود، به علت رای مخالف ایالات متحده آمریکا، نتوانست در باره توصیه های "کمیسیون حقوق خلق فلسطین"، که مجمع عمومی در قطعنامه های ۳۱/۲۰، ۲۴ نوامبر ۱۹۷۶ (۴ آذر ۱۳۵۵)، ۳۲/۴۰، ۲۵ دسامبر ۱۹۷۷ (۱۱ آذر ۱۳۵۶)، ۳۳/۲۸، ۷ دسامبر ۱۹۷۸ (۱۶ آذر ۱۳۵۷) و ۳۴/۶۵، ۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ (۸ آذر ۱۳۵۸) خود آنها را تصویب کرده بود...

به ویژه اعلام می دارد که، به موجب منشور قطعنامه های سازمان ملل متحد، بدون عقب نشینی اسرائیل از همه مناطق اشغالی فلسطین و عرب، از جمله بیت المقدس، و بدون حل عادلانه حقوق حقه خلق فلسطین، صلح همه جانبه، عادلانه و پایدار در خاور نزدیک امکان پذیر نیست؛ حق فلسطینی های رانده از زاد و بوم خویش را نسبت به بازگشت به سرزمین خود تأکید می کند؛ دیگر حقوق حقه خلق فلسطین را، از جمله: الف - حق تعیین سرنوشت خود بدون مداخله از خارج و حق استقلال و حاکمیت ملی؛ ب - حق تشکیل یک حکومت مستقل، تصریح می کند؛

حق "جنبش آزادی بخش فلسطین"، نماینده خلق فلسطین را، مبتنی بر شرکت برابر حقوق در همه کوشش ها، مشورت ها و کنفرانس های سازمان ملل پیرامون مسئله فلسطین و اوضاع خاور نزدیک، تأیید می کند؛ اصل بنیادی پرهیز از تصاحب خشونت بار

بررسی...

بقیه از صفحه ۳

به صندوقی که سود آن عاید تمام خلق می شود، سرازیر کرد و امکان غارت را از سرمایه داران سودجو سلب کرد. اصولاً در بخش واردات و بخش تدارک و توزیع کالاهای مصرفی مورد نیاز درجه اول جامعه، فقط از یک راه می توان از غارت و چپاول جلوگیری کرد و آن هم ملی کردن تجارت خارجی و ایجاد بخش دولتی و تعاونی تدارک و توزیع کالاهای مصرفی، یعنی بخش غیر سرمایه داری تدارک و توزیع کالاهای مصرفی است. این تجربه ای است که انقلاب های دوران کنونی ما، از ۶۰ سال پیش به این طرف، به دست آورده اند و توانستند تازمانی که سرمایه داری یا قشری از سرمایه داری هنوز وجود دارد، آن را انجام دهند. زنده ما هم در مرحله کنونی رشد اقتصادی خودمان، طرفدار از بین بردن سرمایه داری به طور کلی نیستیم و معتقدیم که سرمایه داری کوچک و متوسط در چارچوب اقتصاد مردمی و خلقی کنترل شده زیر نظر دولت، هنوز می تواند به فعالیت مثبت خود ادامه دهد. همان طور که مثلاً در کشورهای چون الجزایر و سوریه و بایرخی کشورهای دیگر که حتی ست گیری سوسیالیستی دارند، مشاهده می شود، حتی در کشورهای سوسیالیستی طی یک دوران معین وضع بر این منوال بود و نتایج مثبتی از آن به دست آمد. پس نظر ما این است که دولت هر چه سریع تر تجارت خارجی را ملی کند و آن را از چنگ سودجویان و غارتگران درآورد، به ویژه اکنون که مسئله تامین ارز لازم برای خرید از کشورهای خارجی به مسئله مهمی تبدیل شده است، یعنی دیگر مثل دوسال پیش و حتی سال پیش نیست که ارز حاصل از فروش نفت برای رفع نیازمندی ها کافی باشد. حالا خیلی دشوار است، و حتی برای سال آینده، اگر جنگ هم تمام شود و حتی تجاوز آمریکا هم به صورت کنونی اش خاتمه یابد (که این البته فقط یک فرض است) باز هم تدارک میزان کافی ارز برای دولت ایران با دشواری هایی توأم خواهد بود.

به این ترتیب مسئله ملی کردن تجارت خارجی و بیرون کشیدن آن از دست سرمایه داران بزرگ وابسته، در شرایط کنونی از دو جهت برای اقتصاد کشور، بسیار سودمند است. اول از این جهت که با این عمل یکی از پرسودترین بخش های اقتصادی کشور در اختیار دولت قرار می گیرد و دولت خواهد توانست کسر بودجه خود را که خیلی سنگین شده است و هزینه هایی را که برای رونق دادن به کارهای ساختمانی در کشور، لازم دارد، تا حدی از این راه تأمین کند. دوم مسئله ارز است. ارتباط تجارت خارجی با مسئله ارز

ایران نوین است. وی از وابستگان حزب منحل رستاخیز و سرسپرده رژیم پیشین بوده که از جمله در تدارک جشن های دوهزار و پانصد سالگی سلطنت شرکت داشته است. این شخص پس از انقلاب از کارخانه سیمان تا پرداخت کلیه وجوه سهم کارفرما اخراج شده است! آیا جز خرابکاری از چنین عناصری انتظار دیگری می رود؟ درجایی که همین چند پیش از طرف بنیاد مستضعفین شخصی به سمت مدیر عاملی کارخانه کوره مهجند در مشهد انتخاب شده که علناً در خیابان های این شهر، به تبلیغات ضد انقلابی می پردازد، آیا وظیفه طبقه کارگر در مهار کردن سرکشی این مدیران وابسته ارزشی والا و اهمیتی به سزا ندارد؟ و وظیفه مسئولین طرد این عناصر ضد انقلابی نیست؟

در یک کلام! شاه راه ترقی اجتماعی میهن مادری تو مبارزه متشکل و هدایت شده ای است که از جمله بر طرد عناصر وابسته به رژیم پیشین و بویژه کارگران سرمایه داری وابسته در لباس کارفرمایان و مدیران گذر دارد و این از فوری ترین خواست های طبقه کارگر است.



علیه تمام دسایس امریکا متحد شویم!

از این جهت مهم است که عمده ترین راه فرار فاجاع ارز همین آزادی تجارت خارجی برای سرمایه دارها است. سرمایه دارها خیلی آسان می توانند در سال چندین میلیارد دلار ارز را مفت خارج کنند. به این ترتیب که تقاضای ورود کالا می کنند، مثلاً برای برنج یا کالایی که دولت به علت نیاز، اجازه ورود آن را می دهد. نماینده آن ها با شرکت خارجی مربوطه بندو بست می کنند و می گویند شما قیمت هر تن برنج را فرضاً ۱۰۰۰ دلار به جای ۷۰۰ یا ۵۰۰ دلار می ارزد، بنویسید. ما از آن ۳۰۰ تا ۵۰۰ دلار اضافی ۵۰ دلار هم به شما رشوه می دهیم. بعد این لیست قیمت ها را می فرستند این جا. تاجر می رود بابت هزار تن برنجی که می خرد، هزار تا هزار دلار یعنی یک میلیون دلار اعتبار باز می کند و دولت و بانک مرکزی آن یک میلیون دلار را به قیمت هفت تومان که قیمت تشارتی است به او می فروشد. این آقا با این یک میلیون دلار، پانصد هزار دلار می دهد برنج می خرد و پس از کسر رشوه به شرکت خارجی، ۴۵۰ هزار دلار باقی مانده را که خودش به قیمت ۷ تومان خریده است از راه های گوناگون در بازار آزاد آب می کند. بدین طریق حتی اگر برنج او هم در دریا غرق شود، اوسود خود را برده است. این یکی از راه های بسیار عادی است که خود بانک مرکزی هم به آن وقف پیدا کرده و به هیچ ترتیبی هم نمی تواند آن را کنترل کند، و باقیمانده گاری از پیش نخواهد رفت، چون آن ها این حق بازی هارامی کنند، از اسلام، فقط ظاهر به آن را دارند و حداقل یک ریش هم گذاشته و تبسجی به دست گرفته اند و از همان کسانی هستند که امام گفت: من تنفر دارم از آنها که به رژیم های استبدادی و غارتگر کمک می کنند. هیچ چیز در این عناصر تأثیر ندارد: نه منافع ملی، نه خفه کودکانی که گرسنه می خوابند، نه غم و اندوه مادرانی که کودکان گرسنه را در بغل دارند، هیچ یک از این ها، در این اشخاص تأثیر ندارد. اینها جانور ها و زالوهای خون آشامی هستند که در سراسر تاریخ همیشه با غارتگری زندگی کرده و فقط در فکر افزایش سود و انباشتن میلیارد ها ثروت بوده اند، بهترین کاغذ را برای خودشان می سازند و فقط تظاهر می کنند به این که هوادار اسلام هستند. البته همان اسلامی که آقای سادات و ضیاء الحق و گارت و غیره هم هوادارش هستند.

این است مسئله تجارت خارجی و توزیع. این مسئله تنها با واگذاری تجارت خارجی به دولت و کنترل آن توسط دولت حل شدنی است. البته در تجارت خارجی و واگذار شده به دولت هم فساد رخنه خواهد کرد. نمایندگان بورژوازی در دستگاه دولتی هستند، لیبرال ها همه جا هستند، غارتگران در دستگاه دولتی هم رخنه می کنند و هستند. و جلوگیری از آنها کار زیاد می خواهد. ولی زبانی که از این منبع ممکن است به اقتصاد کشور برسد، به مراتب کمتر از زبان هایی است که از آزاد بودن تجارت خارجی برای سرمایه داران بزرگ وابسته، به اقتصاد کشور می رسد.

اما درباره توزیع داخلی. توزیع داخلی دو مرحله دارد: یکی مرحله نهائی یا آخرین حلقه توزیع، یعنی فروشنده گان که کالا را به مصرف کنندگان می رسانند و یکی مرحله قبل از آن که وارد کنندگان و عاملان درجه اول هستند. بخش تدارک و توزیع کالاهای مصرفی مورد احتیاج عموم، یکی از میدان های وحشتناک و وحشیانه غارتگری است. همه می دانیم که تاجر بزرگ وقتی مثلاً آهن می رسد به بندرعباس، پس از دریافت خبر رسیدن آن، بلافاصله تلفن را بر می دارد و به ۴ تا دلال مراجعه می کند که پنج هزار تن آهن رسیده، چند می خرد؟ سپس آن دلال ها به دومی و سومی و بعدی مراجعه می کنند و به این ترتیب آهنی که در بندر است هنوز به محل فروش نرسیده، از چند مرحله می گذرد و در همان حلقه های پیش از رسیدن به دست مصرف کننده، میان واسطه ها خرد می شود و آن ها هستند که آهن را برابر می کنند. این غارت است، دزدی است، دزدی است. این چپاول است. و اما چطور می شود جلوی آن را گرفت؟ تجربه تمام کشورهای که در شرایط کشور ما هستند و خواسته اند با این پدیده مبارزه کنند، نشان داده است که جلوگیری از آن تنها از یک راه ممکن است و آن هم این است که به موازات این بازار، بازار دیگری به وجود آید: بازار تدارک و توزیع دولتی و تعاونی، بازاری که در آن دست سرمایه دارهای جداگانه، مستقل، منفرد و بخش خصوصی آزاد نباشد.

ادامه دارد

در نظام جمهوری اسلامی بیش از پیش روشن گردد و مردم ما قوت قضاوت بیشتر را پیدا کنند.

۵- از مسئولین مملکتی، و به تعبیر امم، از سران می‌خواهیم که توانشان را صرف سامان بخشیدن به جمهوری اسلامی کنند و در برخورد با مشکلات راههای قانونی را، که در قانون اساسی پیش‌بینی شده، انتخاب کنند و بهانه به دست دشمنان قسم‌خورده اسلام و انقلاب اسلامی ندهند.

۶- از رئیس جمهور و رئیس دولت‌خواستاریم که در تکمیل کابینه بکوشند و تأکیدهای بی‌دری امام را نصب‌العین قرار دهند، زیرا عدم تکمیل کابینه در امور دولت و در همه شئون جامعه و نیز در کار مجلس تأثیرات تکران‌کننده‌ای دارد.

۷- از شورای عالی دفاع می‌خواهیم که تمامی تلاش خود را برای شکستن محاصره آبادان و تقویت سایر جبهه‌ها و ایجاد هماهنگی کامل برای رفع کمبودها و تقاضای بکار گیرند تا ارتش جمهوری اسلامی، پاسداران عزیز و نیروهای بسیج مردمی، که مورد تأیید امام و امت می‌باشند، به نبرد دلیرانه خود بهتر ادامه دهند.

رئیس مجلس، پس از قرائت نامه به مردم اطمینان داد که:

«همه قوا در صدد هستند که در اعتلاء کشور و از بین بردن کمبودها و تقاضای بکوشند».

رئیس مجلس سپس افزود:

«امیدوارم که امروز ملت ما، مجلس ما و همه قوای ما سعی کنند همه مشکلات خود را با وحدت با توجه به این اصل حیاتی انقلاب، که ستون فقرات يك انقلاب همان وحدت است، برطرف کنند».

رئیس مجلس در ادامه سخنان خود، از سوریه، الجزایر، لیبی، سازمان آزادیبخش فلسطین و یمن دمکراتیک، که شرکت در کنفرانس سران کشورهای عربی را تحریم کرده‌اند، سپاسگزاری کرد.

آنگاه مجلس وارد شور شد و پس از قرائت اسامی غائبین، آقای محمدعلی رجائی نخست‌وزیر پشت میکروفن قرار گرفت و دکتر جواد باهنر را به عنوان وزیر آموزش و پرورش معرفی کرد. چندتن از نمایندگان در موافقت و مخالفت با وزارت دکتر باهنر سخن گفتند و سپس در این مورد رای گرفته شد که در نتیجه وزارت دکتر جواد باهنر با اکثریت آراء به تصویب رسید.

در این جلسه سپس چند لایحه در ارتباط با وضع درجه‌داران دیپلمه ارتش و پرداخت بخشی از دستمزد کارکنان طرح‌های عمرانی در مناطق جنگی در مجلس قرائت شد. جلسه بعدی مجلس امروز تشکیل می‌شود.

بررسی وضع تصفیه شدگان اداره‌ها در نخست‌وزیری

آقای محمدعلی رجائی نخست‌وزیر، در جلسه علنی دیروز مجلس، اعلام کرد که به‌زودی دایره‌ای به‌منظور رسیدگی به وضع کارکنان تصفیه‌شده دولت، در نخست‌وزیری شروع به کار خواهد کرد. این دایره وظیفه دارد کسانی را که به اشتباه تصفیه شده‌اند به کار خود باز گرداند و همچنین افرادی را که برای کار در قسمتی از يك وزارتخانه یا اداره دولتی ناصالح تشخیص داده شده‌اند، به قسمت دیگر منتقل کند. به کسانی نیز که تصفیه آن‌ها مورد تأیید مجدد قرار گیرد، پیشنهاد کار در بخشهای تولیدی داده خواهد شد.

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

ملت و رهبر اجازه نمیدهند که ۲۸ مرداد تکرار شود

باسکوت در مورد مسائل تفرقه‌آور، ضدانقلاب و اناکام می‌سازیم

- رئیس مجلس از سوریه، لیبی، الجزایر، سازمان آزادیبخش فلسطین و جمهوری دمکراتیک خلق یمن به خاطر تحریم کنفرانس سران عرب تشکر کرد.
- دولت باید شوراهای پیش‌بینی شده در قانون اساسی را تشکیل دهد.
- تجارت خارجی نباید در اختیار بخش خصوصی باشد.
- برای حفظ وحدت، مجلس سکوت را رعایت می‌کند.
- مجلس از مطبوعاتی که به خواست وحدت‌آفرین امام خمینی احترام می‌گذارند، تشکر کرد.

«با وحدت است که می‌توانیم به انقلاب ادامه

بدهیم و به پدر پیر انقلاب احترام بگذاریم». رئیس مجلس آنگاه نامه‌ای را که توسط ۱۳۵ تن از نمایندگان مجلس خطاب به رئیس مجلس نوشته شد، است، قرائت کرد. در این نامه با تشریح شرایط کنونی کشور آمده است:

«در این لحظات حساس از تاریخ خونبار انقلاب اسلامی ایران، که از یکسو سردمداران کفر و استکبار جهانی تمام نیروهای خود را وقف درهم کوبیدن جمهوری اسلامی و پایداری ساختن خون شهیدان نموده‌اند و از سوی دیگر خطوط انحرافی و ضدانقلاب داخلی، جبهه متحدی در مقابل خط روشن و روشنگر امام بوجود آورده‌اند و با حرکات نفرت‌آورش قلب نازنین امام عزیز ما را بدر آفریده‌اند، استدعا داریم در جهت رفع پاره‌ای از این‌ها، این مواضع را از جانب ما اعلام و به‌سمع امام و امت برسانید:

۱- در مورد مسائل تفرقه‌آور سکوت را حتی به‌قیمت فدا نمودن خود حفظ نموده و بدین ترتیب ضدانقلاب را ناکام و غمگین و قلب امام‌عزیزمان را شاد می‌نماییم.

۲- مطبوعاتی را که از دامن‌زدن به اختلافات دست‌بردارند، محکوم و از مطبوعاتی که صدقانه به خواست وحدت‌آفرین امام احترام بگذارند، صمیمانه تشکر می‌کنیم.

۳- نگرانی خود را نسبت به هرگونه مسامحه و برخورد غیرجدی بعضی از نمایندگان با مجلس ابراز داشته و از ملت عزیز می‌خواهیم با دقت مراقب اعمال ما باشند و نسبت به اسامی غائبین و تأخیرکنندگان توجه بیشتری داشته باشند. همچنین از مسئولین اجرایی در تمام سطوح خواهان برخورد فعال و جدی با مسائل و مشکلات مردم هستیم.

۴- از ملت مسلمان و قهرمان ایران که به‌موقع ما را از تذکرات خیرخواهانه خود با هر نحو بهره‌مند می‌کند، تشکر می‌کنیم. ضمناً یادآور می‌شویم که بجای پرداختن به هرگونه مسئله انحرافی، مطالعه دقیق قانون اساسی را سرلوحه برنامه‌های خویش قرار دهند و از روحانیون و فرهیختگان عزیز می‌خواهیم که مردم را در این جهت یاری فرمایند و برای آموزش قانون اساسی برنامه‌های منظمی پیش‌بینی کنند. باشد که وظایف نهادها و مسئولین

«ضدانقلاب اینک در پشت‌جبهه‌ها روی تصفیه

روحانیت کار می‌کنند، ولی ما از این بابت نگرانی نداریم، زیرا ملت و رهبر ما تجربه ۲۸ مرداد را دارند و اجازه نمی‌دهند که ۲۸ مرداد تکرار شود. به‌رحال این تبلیغات پشت جبهه بین مردم تشویشی را بوجود آورده است و آن‌ها درباره اختلاف‌نظرها سؤال می‌کنند. وقتی هم به آن‌ها جواب می‌دهیم، می‌گویند طرف مقابل چیز دیگری می‌گوید. لذا به مردم پیشنهاد کردم که ما بنشینیم حرف‌های خود را بزیم و مردم قضاوت کنند. البته بعد فکر کردم ممکن است این کار مثلاً باعث تضعیف ریاست‌جمهوری بشود و از این کار گذشتیم. تا اینکه آقای رئیس‌جمهور خوشبختانه خودشان هم این مسئله بحث را مطرح کردند».

دکتر دیالماه همچنین گفت: «مردم می‌خواهند نظریات مقابل را بدانند و این چیزها افکار آن‌ها را مخدوش می‌کند». ناطق سپس آمادگی خود را برای بحث آزاد در يك جلسه عمومی اعلام و اظهارامیدواری کرد که رئیس جمهور هم ترتیب و شرایط این بحث را اعلام کند.

آنگاه رئیس جلسه تذکر داد که براساس گفته آیت‌الله خامنه‌ای قضیه حمله به کنون دکتر شریعتی تحت تعقیب است و عوامل مشکوکی که به آن حمله کرده‌اند، بزودی دستگیر و شناسایی خواهند شد. رئیس مجلس چنین حملاتی را نامعقول خواند و آن را محکوم کرد. وی سپس به ضرورت وحدت اشاره کرد و گفت:

«در مقطعی سکوت يك عمل صالح است و گاه سخن‌گوئی عمل صالح. از این جهت برای حفظ وحدت، بخصوص در شرایط کنونی، که بیش از هر زمان مورد نیاز است، خواسته مجلس ضرورت وحدت است و به همین خاطر سکوت را رعایت می‌کنند و آن را يك حرکت درست می‌شناسد».

نامه نمایندگان در مورد حفظ وحدت

وی سپس تأکید کرد که امامت و رهبری باید کاملاً پشتیبانی شود و اگر حریم امامت و رهبری شکسته شود حریم انقلاب و همه‌شهادت‌ها شکسته شده است. او گفت:

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست اکبر پرویزی تشکیل شد، عده‌ای از نمایندگان مجلس، ضمن نامه‌ای که در جلسه قرائت شد، از مسئولین مملکتی خواستند که توانشان را صرف سامان بخشیدن به جمهوری اسلامی کنند.

در آغاز این جلسه، ملکي به‌عنوان اولین ناطق پیش از دستور سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت:

«منطقی است اگر دولت و دولتمردان ایران بنشینند و چارچوب تشکیلات مملکت را روشن کنند، والا اینکه هر روز وزارتخانه‌ای را به دو قسمت کنیم، کاری از پیش نخواهیم برد. اگر دولت بتواند شوراهای پیش‌بینی شده در قانون اساسی را از پایین تشکیل دهد، می‌تواند گامی در جهت حل مشکلات تشکیلاتی خود بردارد».

ناطق سپس خواستار تهیه ضوابطی برای کار وزارتخانه‌ها و وزراء در چارچوب آن شد. او آنگاه به مسئله مالکیت اشاره کرد و گفت:

«حیات‌های ۷۰ قری باید به مسئله مالکیت آب و زمین رسیدگی کنند، ولی عده‌ای نمی‌گذارند... در بعضی از شهرستان‌ها شوراهایی تشکیل شده که مالکین سابق در آن عضویت دارند». ملکي، با اشاره به اشکال مالکیت ذکر شده در قانون اساسی، اظهار داشت:

«من هشدار می‌دهم که آنچه مربوط به بازرگانی خارجی است، به‌سر نوشت قانون تجارت ۱۳۰۹ دچار نشود. این اصل همانطور که اجازه نمی‌دهد دولت صنایع مادر و معادن بزرگ را به بخش خصوصی بدهد، نمی‌پذیرد که تجارت خارجی در اختیار این بخش باشد».

او آنگاه تأکید کرد که:

«اگر «له شرقی، نه غربی» درست تفسیر نشود، ما سیاست خارجی فعالی خواهیم داشت، در غیر این‌صورت سیاست ما افعالی خواهد شد».

ملکي در پایان سخنان خود پیام زردشتی‌های یزد را قرائت و تأکید کرد که مستضعفین زردشتی برای حفظ جمهوری اسلامی تا پای جان ایستادگی می‌کنند و فقط خواستار رعایت قانون اساسی و تساوی در مقابل قانون اساسی هستند.

دومین ناطق این جلسه آیت‌الله لاهوتی بود، که تلکرام دکتر محمدتقی شریعتی را به مجلس، در مورد حمله به کنون نشر تبلیغ قرائت کرد. در این پیام ضمن اشاره به سوابق این کنون و بیارزات اعضای آن، در مورد حمله به این کنون اظهار نگرانی شده بود.

اشتباه کامپیوترهای صدام

دکتر دیالماه، سخنان بعدی پیش از دستور، به حمله صدام‌حسین به ایران اشاره کرد و گفت: «او فکر میکرد ۳ یا ۵ روزه ایران را و یا بخش جنوبی ایران را خواهد گرفت. ولی دیدیم که پس از گذشت ۴ ماه و نیم و فداکاری دلیرانه نیروهای مسلح ما، بر او روشن‌تر شده که کارش اشتباه بوده است. اینطور تحلیل می‌شود که او نیروهای ایران را درست برآورد نکرده بود و نمی‌دانست که اینطور می‌شود. اما به اعتقاد من او روی حساب حمله کرد و محاسبه به او نشان داده بود که ۳ یا ۵ روزه می‌تواند به مقصد خود برسد. اگر اشتباهی در اینجا صورت گرفت، این بود که در این طرف قضیه زمینه‌هایی وجود داشت که قابل محاسبه نبود. مثلاً ایشار برای کامپیوترها قابل محاسبه نیست و یا شهادت در کامپیوتر نمی‌گنجند».

ناطق سپس افزود:

افزایش بی‌رویه قیمت‌ها...

بقیه از صفحه ۱

می‌بارد و در حالیکه زحمتکشان از هیچ‌گونه ایثار و فداکاری برای پیروزی در جنگ و راندن دشمن بدسگال از سرزمین خود، دریغ ندارند و از جان و از زندگی خود برای حفظ انقلاب و استقلال کشور مایه میکندارند، این سوداگران مرگ، حتی از کفن شهیدان هم سودجویی میکنند و پول روی پول میکندارند. سرپرست خانواده‌های زحمتکش در خط مقدم جبهه با تجاوزگران صدامی - این مزدوران بی‌آزم امپریالیسم ام‌نیکا - سینه به سینه می‌جنگند و خانواده‌هایشان برای خرید مایحتاج روزانه خود، با کمبود و گرانی بی‌حد و حصر مواجه‌اند و کاسهٔ «چکنم چکنم» در دست دارند. توده‌های مردم، هم می‌جنگند و هم باز گرانی و کمبود را بر دوش دارند، و سرمایه‌داران نفع‌طلب، هم از جبهه میگریزند و شهرها را خالی میکنند و هم در پی غارت و مکیدن خون زحمتکشان هستند.

دولت اکنون در کار سبیه‌بندی ۶۰ قلم از ضروری‌ترین

اقدامات مهمتری همراه باشد، که اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و ملی کردن بازرگانی خارجی در صدد آن قرار دارد.

ملی کردن بازرگانی خارجی بمعنای پایان دادن بر سلطه امپریالیسم غارتگر بر بازرگانی کشور است، بمعنای نقطه پایان نهادن بر سیاست خائنانه درهای باز دوران طاغوت است، که درآمدهای ارزی ما و منابع ثروت ما را به تاراج امپریالیسم سپرد، بمعنای تسخیر مواضع سرمایه‌داری وابسته در بخش بازرگانی و سلب قدرت او در این بخش مهم اقتصادی است.

ملی کردن بازرگانی خارجی دولت را قادر خواهد ساخت تا صنایع ملی و مستقل کشور را شالوده ریزد، صنایع مادر را بنیان‌نهد و کشاورزی کشور را با ماشین و تکنیک مدرن مجهز سازد.

ملی کردن بازرگانی خارجی حاکمیت دولت را بر بازار تأمین خواهد کرد و دست بازرگانان بزرگ و سرمایه‌داران وابسته را از ارتزاق خون مردم باز خواهد داشت.

سرمایه‌داری وابسته دشمن انقلاب ما، دشمن استقلال کشور ما است. باید مواضع اقتصادی این دشمن خطرناک را درهم کوبید، تا

این عذر، که هنوز برای ملی کردن بازرگانی خارجی آماده نیستیم، پذیرفتنی نیست. انحصار دولتی بر بازرگانی خارجی در کشور ما، اگرچه بطور ناقص، ولی سابقه ۴۰ ساله دارد. بنابراین ما چندان هم در اینکار خالی‌الذهن و بی‌تجربه نیستیم. علاوه بر آنکه، در همین وزارت بازرگانی، از سال‌ها پیش بخش بازرگانی خارجی وجود داشته، که کارمندان آن تجارب لازم را اندوخته‌اند، بانکهای وجود داشته، که در رشته بازرگانی خارجی فعالیت داشته‌اند و اکنون دولتی شده‌اند، و میتوان از آموخته‌های متخصصین و کارمندان آن بهره جست. بنابراین هر روز تأخیر در اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی، بمعنای بازپچه قراردادن زندگی میلیون‌ها خانواده زحمتکش در دست سرمایه‌داران بزرگ سودجوست.

مبارزه با گرانی بوسیلهٔ مسکن‌های موقت، چون مجازات محتکران و گرانفروشان، اقدامی سطحی و بدون تأمل است. آب از سرچشمه گل‌آلود است، و این سرچشمه گل‌آلود جز سرمایه‌داران وابسته نیستند، که باید امکان سودجویی و نفع‌طلبی را در جامعه انقلابی خود از آنان سلب کنیم و به سلطه اقتصادی

اعلامیه کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان (پیرو کنگره چهارم):

وظیفه مردم کردستان طرفدوسر کوب خائنین به انقلاب ایرانست

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) با صدور اطلاعیه‌ای تأکید کرد که «وظیفه مردم کردستان طرفدوسر کوب خائنین به انقلاب ایران است».

در این اطلاعیه، که مورخ ۲۵ مهر ماه ۵۹ است، می‌خوانیم: «هم‌میهنان شرافتمند! انقلابیون راستین!

مردم غیور و رزمنده کردستان!

انقلاب ایران و جمهوری اسلامی، دستاوردها سال میازره، هزاران شهید و بیش از یکصد هزار زخمی، در معرض سبانه‌ترین یورش رژیم فاشیست بعث عراق قرار گرفته است. در این تجاوز، مشوق و محرک زمامداران بغداد، بدون شک پشتیبانی و همیاری دول امپریالیستی، به‌ویژه آمریکا و رژیم‌های ارتجاعی منطقه، نظیر مصر، عربستان سعودی، اردن، عمان، ترکیه، پاکستان و... است. نقش عوامل خودفروش رژیم سابق و نیروهای ضدانقلاب و چپ‌نماهای داخلی نیز عامل یاری‌دهنده و مساعد اجرای نقشه تجاوز قرار گرفته است.

تصادفی نیست در شرایطی که مردم، صاحبان اصلی انقلاب و تمام نهادهای انقلابی، دوش بدوش یکدیگر در جنوب و غرب کشور، با مقاومت کم‌سابقه خود، هر روز حماسه‌ای نو می‌آفرینند و صفحات تاریخ انقلاب ضدامپریالیستی ایران را هر ساعت و هر دقیقه گلگون‌تر می‌سازند، ضدانقلاب داخلی هم در کردستان یکبار نشسته و با یورش به ارومیه، ماکو، سنندج، نقده، پیرانشهر، سقز، مروان و... آب‌به‌آشیاب یعنی‌های فاشیست عراق و اربابان آمریکایی آن می‌ریزد. در شرافتی که هوایم‌های متجاوز عراقی به‌شهرها و روستاهای میهن‌ما، به مراکز صنعتی و اقتصادی ما، به مدارس، بیمارستانها و دیگر مراکز مسکونی حمله می‌کنند و میلیاردها دلار خسارت ببار می‌آورند، در شرافتی که هر روز صدها هموطن قربانی هوسهای آزمندانه دیوانگانی نظیر صدام و یاران امپریالیستی می‌گردند، در شرافتی که در ذوق مردم و خانه‌هایشان آماج موشک‌های زمین به زمین متری فاشیست‌های متجاوز قرار می‌گیرد و بخش اعظم شهر، ویران و ده‌ها تن شهید و صدها تن زخمی بجای می‌مانند، در شرافتی که تنها در یکروز، در کردستان، در سردهشت، سقز، بانه، پیرانشهر و روستاهای اطراف، در نقده و ارومیه ده‌ها تن در اثر حمله هوایی هوایم‌های جنگی عراق شهید و صدها تن زخمی می‌گردند، در شرافتی که هست و نیست هموطنان و هم‌بازان کرد قصر شیرین و روستاهای اطراف آن بدست رژیم بعث و مزدورانش به‌تاراج می‌رود، در شرافتی که تنها طی یک چشم‌پیم‌زدن بیش از هزار نفر هموطن در شهر کرمانشاه، در اثر بمبارانهای نازیهای بغداد شهید و زخمی می‌گردند، که در بین آنها بیش از پانصد نفر دانش‌آموز و دانشجو دیده می‌شود، و بالاخره در شرافتی که ولو برای یک لحظه هم که شده دود آتشی که هوایم‌های متجاوز عراقی در رگهای حیات اقتصادی میهنان ایجاد کرده‌اند، برطرف نمی‌شود، مدعیان کاذب دفاع از حقوق خلق کرده

مردم در راهیمانی ضد-
امپریالیستی سقز شعار میدادند:
کردستان بر مزدوران
بعثی بود گورستان

بناسبت سالگرد کشتار دانشگاه و تسخیر لانه جاسوسی و بدعوت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سقز، در روز سه‌شنبه ۱۳ آبان ۵۹، راهیمانی در این شهر انجام گرفت. در این مراسم اعضاء و هواداران حزب توده ایران، در کنار اقشار مختلف مردم، در راهیمانی شرکت کردند.

مردم طی راهیمانی شعارهایی علیه آمریکا و رژیم صدام می‌دادند:

«کردستان، کردستان بر-
مزدوران بعثی، بود گورستان،
خمینی می‌رزد، کارتر می-
لرزد،

اتحاد، اتحاد، ضرورت انقلاب
تفرقه، جدائی، سلاح امریکایی»
از جمله شعارهایی بود که در این مراسم داده شد.

در پایان این راهیمانی، پس از سخنرانی یکی از مسئولین سپاه و یکی از اهالی شهر، قطنامه راهیمانی خوانده شد.

در حین راهیمانی چندتن از عوامل گروهک‌های ضدانقلابی کومله و یکبار قصد داشتند با دادن شعارهای انحرافی و پارتی کردن عکس امام خمینی، در این مراسم اختلال کنند، که با دستگیری آنها این مساله خاتمه یافت.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست

NAMEH
MARDOM

No. 379
26 November 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه
«مردم» و همه مقامات
دولتی و غیر دولتی می‌توانند
به آدرس زیر با نامه «مردم»
مکاتبه کنند:

صدوق پستی
۶۱/۳۵۵۱، منطقه
۱۴ پستی تهران

میرمحمد صادقی، وزیر کار و امور اجتماعی:
ما معتقد هستیم که حکومت
روی زمین با مستضعفین است

به حضور سرمایه‌داران در شورای عالی کار پایان داده خواهد شد.

ما از کار کسانی که طرز فکرشان در جهت سرمایه‌داری است، جلوگیری خواهیم کرد.

آقای میرمحمد صادقی وزیر کار و امور اجتماعی، طی یک مصاحبه مطبوعاتی درباره مسائل کار و کارگران سخن گفت و در مورد قانون کار مطالبی عنوان کرد. آقای میرمحمدصادقی، در ابتدای سخنان خود، ضمن اشاره به مسائل میان کارگران و وزارت کار گفت: «این مسائل منجر شده که مردم فکر کنند وزارت کار، خانه کارفرماست. اما... این وزارت خانه به خانه کار و کارگر تبدیل خواهد شد، تا این وزارت مدافع اصلی حقوق کارگران باشد».

وزیر کار و امور اجتماعی در مورد مشکل بیکاری، که بر اثر جنگ تحمیلی شدت یافته، گفت:

«دائر جنگ تحمیلی اخیر بیکاری افزایش یافته است، زیرا کارخانه‌ها و موسسات اقتصادی در مناطق جنگی تعطیل و یا از بین رفته‌است که این خود یکی از اهداف آمریکا جهت تحمیل جنگ بوده است، تا با ایجاد مشکلاتی نظیر افزایش بیکاری جمهوری اسلامی را بشکند، ولی آمریکا خود با شکست روبرو شده، زیرا برادران کارگر روحیه‌ای خوب دارند، بطور مثال روز گذشته گروهی از کارگران خوزستان آمده بودند و اظهار می‌داشتند مبادا کسی از بیکاری ما سوء استفاده کند».

وزیر کار و امور اجتماعی، سپس اظهار داشت:

«تعیین حدود مالکیت یکی از وظایف مجلس شورای اسلامی است و یکی از مسائلی که در کارها وقفه ایجاد میکند، عدم تعیین حدود مالکیت است. بطور مثال وقتی که می‌خواهند قانون کار را بنویسند، در مورد کارخانه نمی‌دانند باید چه قسمیاتی گرفته شود و امیدوارم مجلس یزودی این مسئله را حل کند».

آقای میرمحمد صادقی در مورد قانون کار جدیدی که در دست تدوین است، گفت:

«قانون کار در حال تدوین است... ما معتقد هستیم که حکومت روی زمین با مستضعفین است و سعی می‌کنیم که در این جهت حرکت کرده و قوانین در این خط باشد. زمانیکه قانون کار تهیه شد، در معرض افکار عمومی کارگران قرار خواهد گرفت، تا به انتقاداتی که توسط کارگران و دیگران میشود، قانون کسار مناسبی در جهت مستضعفین تدوین شود».

وزیر کار و امور اجتماعی افزود:

«اعضای شورای عالی کار از طریق شوراهای کارگری انتخاب خواهند شد و به حضور سرمایه‌داران در شورای عالی کار پایان داده خواهد شد... ما از کار کسانی که طرز فکرشان در جهت سرمایه‌داری است، جلوگیری خواهیم کرد».

وزیر کار و امور اجتماعی در پایان در مورد شرکت یا عدم شرکت ایران در کنفرانس بین‌المللی کار در مایل گفت:

«آمریکا خوشحال خواهد شد که ما کرسیهای خود را از دست بدهیم، ما از آمریکا ترس و وحشتی نداریم، ولی از هر کرسی و سنگری علیه آن استفاده خواهیم کرد».

دیروز بزرگترین دفاع از خودمختاری و حقوق خلق کرده خیزه بود، پرده از چهره برگرفته است و آشکارا، با هماهنگ کردن عملیات خود در داخل مرزها و منطقه ما، در پی اجرای فرمان ارباب و گشودن جبهه دوم در کردستان است. مدارس به تشنج کشیده می‌شود، در راهیمانیهای شعارهای انحرافی - ضدانقلابی زمزمه میشود، و ترور و قتل و شکنجه، این حربه همیشه‌ای وازدگان سیاسی و بردگان از توده‌های میلیونی خلق، دوباره بکار گرفته میشود (نمونه‌های مناباد و شهر خودمان).

نقل و انتقالات اخیر ضدانقلابیون (دارونده قاسملو، کومه له، افسران فراری شاهی و...) شایعه‌سازیها و تحریکات عوامل ستون پنجم، که آگاهانه و موزیانه - متأسفانه - توانسته است از عملکرد فادرسر بعضی مقامات اجرائی حداکثر استفاده را در جهت انحراف افکار عمومی بنماید، خبر از بازگشودن همان جبهه دوم و ایجاد درگیری مجدد میدهد.

در دنباله این اطلاعیه، خطاب به مردم کردستان و با اشاره به آثار شوم حمله این گروهک‌ها آمده است:

«در این مقطع زمانی، که سرزمین ما درگیر جنگ میهنی است... نجاست با تاسی به جوانان و مردم غیور خوزستان، که قاطعانه در مقابل تجاوز مزدور ایستاده‌اند، پوزه این در یوزگان درگاه امپریالیسم و ارتجاع را بخاک مالیم. در شرایط کنونی هر تفنگی که بسوی مردم و نیروهای مسلح مدافع جمهوری اسلامی ما شلیک کند، فرمان امریکا، به نفع امریکا و در خط امریکاست، زیرا که خط یا جبهه سومی وجود ندارد.

نیروهای مسئولی که در این شرایط بسیار حساس وظیفه سنگین بسیج توده‌های مردم را به عهده دارند! مبارزه با ضدانقلاب را نباید و نمیتوان تنها از بعد نظامی تکریرست. وظیفه بسیار مهمتر در بعد سیاسی و خشکاندن لجنزار مناسب رشد ضدانقلاب است، که همانا اقدامات درست، سنجیده و بجای شما را میطلبد».

در پایان این اطلاعیه، ضمن اشاره به پیام تاریخی امام خمینی درباره کردستان، از مردم کردستان خواسته شده است:

«آن سد کاذب را که ضدانقلاب بین خلق کرد و جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است و در پی حفظ و نگهداری آن است، تا در جهت تضعیف جمهوری اسلامی ایران از آن بهره‌جویی نکند، درهم شکستیم، زیرا که اتحاد اصولی و برادرانه بین خلقهای میهن ما بر پایه سرفروختن و آینده مشترک و دشمن مشترک، ضامن برتری

دارونده قاسملو و سایر گروهک‌های ضدانقلابی، جنایت یسابقه یعنی‌ها را با خیانت حمله به شهرهای ارومیه، ماکو، سقز و... تکمیل میکنند و همگام با اقدام فاشیستهای وابسته به امپریالیسم، وظیفه و نقش کثیف خود را، که سرگرم کردن نیروهای مدافع انقلاب است، در بخش بزرگی از کردستان ایفاء میکنند و با ضربه‌زدن به نیروهای مدافع انقلاب، کردستان را به ضعیفترین حلقه انقلاب مبدل می‌سازند و شکی در سرسپردگی خود برای مردم باقی نمی‌گذارند.

وظیفه مردم کردستان، انقلابیون واقعی و دمکراتهای راستین است که در شناساندن هرچه‌بیشتر و طرد و سرکوب این خائنین به انقلاب ایران و مردم کردستان کوشا باشند و بیش از این اجازه ندهند که با عوامفریبی و سوء استفاده از نام سابقه و اعتبار حزب دمکرات کردستان ایران، به انقلاب کشورمان و به مردم ما صدمه بزنند. نباید به کسانی که مصوبات صریح و روشن کنگره چهارم حزب را مبنی بر: «ما بنوبه خود یکبار دیگر پشتیبانی خود را از دستاوردهای انقلاب و از رهبری امام خمینی اعلام میداریم و همراه همه نیروهای انقلابی در مقابل توطئه ضدانقلاب و عمل امپریالیسم با تمام قوا ایستادگی خواهیم کرد و از انقلاب دفاع خواهیم نمود» (صفحه بیست گزارش مصوبه کمیته مرکزی به کنگره چهارم)، زیر پا نهاده و عملاً نقش جاده‌صافی کن و همدست متجاوزین خارجی و ضدانقلاب داخلی را ایفاء میکنند، اجازه داد که بیش از این به‌بهانه دفاع از خودمختاری، خلق کرد را دستاویز خیانتهای خود قرار دهند.

بدون وجود ایرانی آزاد و مستقل، بدون وجود رژیم غیر-وابسته و ضدامپریالیست، طرح مساله دمکراسی برای ایران و خود-مختاری برای کردستان معنی و مقبوضی نخواهد داشت.

مرحله حساس و سرنوشت‌ساز فعلی قبل از هر چیز یک وظیفه اصلی و اساسی در پیش‌پای ما می‌گذارد و آن دفاع از موجودیت انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایرانست. لازم است که همه مردم ایران، همه خلقهای ایران، فارس، آذربایجانی، کرد، بلوچ، عرب، ترکمن و غیره، همه نیروهای انقلابی و مردمی، چون تنی واحد در برابر توطئه تجاوز رژیم عراق در برابر دیگر توطئه‌هایی که اینجا و آنجا وسیله امپریالیسم تیرخورده امریکا و ایادی منطقه‌ای و داخلی‌اش تدارک دیده میشود، جانانه مقاومت کرد و بانثار خون پاکترین فرزندان و بایدل جان و مال، درخت انقلاب نو را با روبروتر وسایه گستر ساخت.

این قبیل رویدادها بدون شک انقلاب ما را ریشه‌دارتر می‌گرداند. پیروزی مردم و شکست امپریالیسم و متجاوزین یعنی و ضدانقلاب داخلی حتمی است.

پیروزیاد انقلاب مردمی ایران!
پیروزیاد جمهوری اسلامی ایران!
خجسته یاد وحدت یکپارچه خلقهای ایران در دفاع از انقلاب خلقی و ضدامپریالیستی ما!

مرگ برای امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکایادی سرسپرده آن نظیر صدام فاشیست و بقایای رژیم منقرض گذشته و نیروهای ضد-انقلابی داخلی!

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) - ۱۳۵۹-۷-۲۵

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در سقز:

در مقابل ضدانقلاب پیاخیزیم

سازمان حزب توده ایران در شهرستان سقز، ضمن صدور اطلاعیه‌ای در مورد توطئه امپریالیسم جهانی، سرکردگی امریکا، و ارتجاع منطقه در مورد تکمیل تجاوز خارجی به ایران، با ایجاد جنگهای داخلی توسط ایادی و مزدوران خود، هشدار داد. در این اطلاعیه ضمن تشریح شرایط حساس کنونی کشور و تشدید حملات امپریالیسم و ارتجاع، آمده است:

«بیش از یک ماه و نیم است که مردم مرزهای جنوبی و غربی میهن ما زیر بارانی از موشک و راکت و گلوله‌های توپ و خمپاره، چون دیواری به استواری ایمان و چون کوهی به عظمت شهادت، پایداری میکنند. با این پایداری جانانه و استقامت فوق بشری بود که هدف اولیه توطئه امریکا - صدام بشکست انجامید، اما اصل تجاوز و کشتار و تخریب، و تبدیل جنگ برق‌آسا به جنگ فرسایشی در دستور روز امپریالیسم و ارتجاع منطقه باقی است.

آنچه هم‌اکنون مورد نظر امپریالیسم و ارتجاع منطقه‌است، تکمیل تجاوز خارجی با ایجاد جنگهای داخلی توسط ایادی و مزدوران خود فروخته‌شان است».

در دنباله این اعلامیه با اشاره به وضع ویژه کردستان، آمده‌است: «مردم شهرستان هنوز جامه عزاداری حادثه عید قربان امسال را نشسته‌اند که زمزمه‌های جفدوار از طرف ضدانقلابیون - که

مامورند و معذور - دوباره بگوش می‌رسد، زیرا که بهر حال دستور ارباب را باید اطاعت کرد و با ایجاد جنگ و هرج‌ومرج در کردستان و حمله به شهرها و ستونهای نظامی و یادگانه‌ها و پاسگاهها، به اصطلاح کردستان را به خوزستان گره زد. آنچه که اخیراً توسط روزنامه تشرین، چاپ سوریه، در زمینه توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم و پیوند همه انواع آن باهم، افشا شد و انتشار یافت، حتی دیگر بر تمامی ارزیابیهای است که از همان نخستین جرعه‌های شروع جنگ برادر کشی در کردستان، توسط حزب توده ایران، ارزیابی، افشا و محکوم گردید (و ما از این بابت خوشحالم که در پرتو واقعیات، آنچه را که تا دیروز، ناباوران، خوش‌قلبان، ساده‌اندیشان و خامان نمی‌پذیرفتند، عیان شده است).